

# گماشتگان بدفرجام

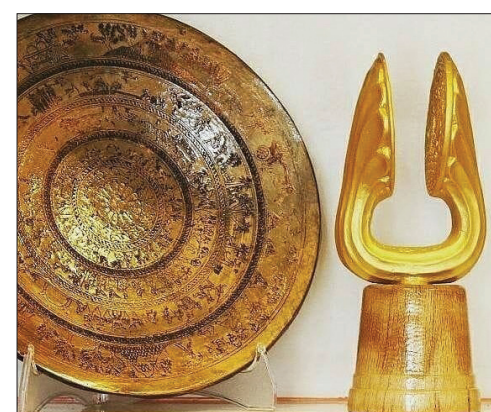


## سر نوشت ایرانیانی که خدمت به بیگانه را انتخاب کردند از پیشه‌وری و رجوی تارضا پهلوی

اواسط دهه هشتاد شمسی بود که دولت افراطی بوش پسر به افغانستان و عراق حمله کرد و ایران را محور شرارت معرفی کرد. تحلیل‌گران سیاسی بودند که حدس می‌زدند -یا دوست داشتند!- هدف بعدی حمله بوش پسر ایران باشد. یکی از نشریات دانشجویی دانشگاه تهران -که فعالانش در سال‌های اخیر از نویسندگان نامه دعوت ترامپ به تحریم حداکثری شدند- ویژه‌نامه‌ای «در ستایش شکست» و «شکست طلبی» منتشر کرد...

صفحه دو

## جام ارجان بهبهان نماد کاروان ایران در بازی‌های المپیک



جلسه ستاد عالی بازی‌ها در سالن فارسی آکادمی ملی المپیک برگزار شد و در نهایت اعضا در مورد نماد، نام و رنگ کاروان به نتیجه رسیدند. طبق انتخابی که سال گذشته انجام شد، کاروان «ستارگان پارسی» نام گرفت. رنگ فیروزه‌ای به عنوان رنگ کاروان و جام ارجان بعنوان نماد کاروان انتخاب شدند. شعار کاروان نیز «همه برای ایران» انتخاب شد.

صفحه آخر

## نباید به ۲۱ آذر بی توجهی کرد

در نشست مجازی بررسی هفتاد و پنجمین سالگرد ظهور فرقه دموکرات در آذربایجان مطرح شد

صفحه سه



## به دنبال توهمات ترک‌گرایانه

بررسی اقدامات اخیر اردوغان در گفت‌وگوی وطن یولی با دکتر مهدی حسینی تقی‌آباد، پژوهشگر حوزه قفقاز

صفحه چهار و پنج

## آنچه به کس نتوان گفت

احداث خط راه آهن چین به ترکیه بدون حضور ایران

## حصار ابریشم

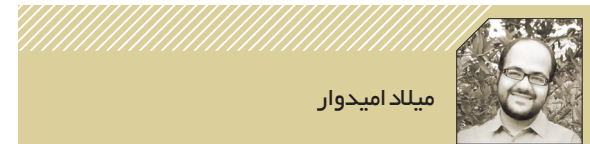
اقتصادی بسیار بزرگ، استقلال کشورهای آسیای میانه به عنوان کشورهای محصور در خشکی، روابط سیاسی پرتنش کشورهای قفقاز جنوبی با یکدیگر، سقوط دولت بعثی عراق و... همه نشانه‌هایی از امکان و ضرورت احیای مسیرهای زمینی اعم از جاده‌ای و ریلی در شرق به غرب و شمال به جنوب بودند.

اما اتفاقاتی همچون احداث خط لوله باکو-جیهان و نیز اتفاقی که در چند روز گذشته رخ داد؛ یعنی احداث راه ریلی بین ترکیه و جمهوری خلق چین، بدون حضور ایران، نشان داد که ایران علی‌رغم همه مزیت‌های جغرافیایی و طبیعی در راه ترانزیت، بی‌رقیب نیست و در صورت عدم تلاش می‌تواند با حذف از عرصه اقتصاد ترانزیت از کشوری با مزیت، به کشوری نیازمند به امکانات ترانزیتی همسایگان بدل شود.

هرچند برخی فعالان اقتصادی و سیاسی اقدام راهبردی ترکیه در ایجاد مسیرهای تجاری و نیز انتقال انرژی با واسطه‌هایی غیر از ایران، به شرق را نتیجه این دانستند؛ که ترکیه نمی‌خواهد همه تخم مرغ‌های خود را در سبد ایران بگذارد. اما باید اذعان داشت که در حالی که این مسیرها از طریق ایران مقرون به صرفه تر و نزدیک تر اند و نیز ایران می‌تواند نقش عمده تری در تبادلات اقتصادی ایفا کند؛ آیا نمی‌توان سیاست پویاتری در ایجاد مزیت‌های اقتصادی برای این کشور در مسیرهای ترانزیت کالا و انرژی کنار گذاشته نشود یافت؟ هرچند شاید تبعات این اقدام در تأثیر بر اقتصاد ایران فاجعه‌بار به نظر نرسد؛ اما در تغییر مزیت‌های تجاری ایران قطعاً نقش خواهد داشت و به عبارتی ایران را در رقابت‌های اقتصادی با کشورهای منطقه در وضعیت نابرابر و گاه نامناسب تری در تصاحب موقعیت‌های سرمایه‌گذاری و ترانزیتی قرار خواهد داد. پس لازم است با دقت و تأمل کافی در مزیت‌های جغرافیایی با سایر کشورهای همسایه در این مسیر همکاری کرد و از مزیت‌های ایران برای حضور در مسیر ترانزیت ریلی، جاده‌ای و هوایی بهره برد.

این احیا از طریق پیوندبیشتر اقتصادی و تأکید بر گزاره‌های تاریخی و فرهنگی به عنوان پشتیبان و مقوم آن به شکل ساده‌تر و در زمانی کوتاه‌تر قابل دستیابی است. باید گفت اگر مزیت‌های ایران در عرصه تولید و نیز ترانزیت مورد توجه قرار گیرد؛ می‌توان از تبدیل راه‌های جدید ابریشم به حصار ابریشم جلوگیری کرد!

مورخان اقتصادی، همچون فلور و عیسوی، نیز در آثار خود بر تأثیر تمدنی این رخدادها بر ایران صحنه گذاشته‌اند و یکی از دلایل کمبودهای اقتصادی در ایران را منتج از همین رخدادها می‌دانند. می‌توان از طریق احیای نقش ترانزیتی ایران ضمن رشد اقتصادی در مسیر توسعه تمدنی گام برداشت.



میلاد امیدپور

ایران در گذر زمان همواره به عنوان پلی میان شرق و غرب مطرح بوده است، راه ابریشم قدمتی به اندازه نخستین تمدن‌های بشری دارد. نیک می‌دانیم که سومریان در تبادلات تجاری خود با شرق از مسیری مشابه بهره می‌برده‌اند و تمدن‌های پسین آنان نیز از این راه دست نکشیدند. در حوزه دگرگونی فرهنگی این راه در دوران اشکانی به هویتی مشخص دست یافته و بر تمدن‌های بزرگ چین، ایران، روم و در ادوار بعدی بیزانس تأثیر بسزایی گذاشت. نقش این راه در انتقال کالاها خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در انتقال باورهای دینی و فرهنگی همچون بودا، اسلام، میترائیسم، مسیحیت و مزدیسنا نقش آفرین بود. انتقال بیمارهایی همچون طاعون در برخی مواقع مانند قرن دوم و سوم میلادی در این راه سبب کاهش جمعیت تمدن‌های چین، مدیترانه شرقی و فلات ایران شد.

این راه در مواردی همچون جنگ‌های ایران با بیزانس در دوران ساسانی و نیز توسعه قبایل و خانات ترک به جنوب، به دلیل زد و خورد، ها کم‌رنگ‌تر شد؛ اما تا قرن پانزدهم و جایگزینی راه‌های دریایی نتوانست اهمیت خود را کاملاً حفظ کند. شهرهای بزرگی چون بخارا، سرخس و ری در ایران، در نتیجه حضور در مسیر ابریشم به شدت بارور شدند. انتقال فرهنگی حول این راه در شکل‌گیری و پیچیده شدن تمدن‌های این مسیر نقش بی‌بدیلی ایفا کرد. و نیز تبادلات با سرزمین‌های عربی و مسیر بخور و نیز سرزمین ادویه خیز شبه‌قاره هند سبب شده بود تا بازرگانی و نیز کالاهای مازاد بر نیاز ایرانیان همچون ابریشم به خوبی جای پای خود را در تمدن و صادرات ایران بگذراند.

در ادوار بعدی، پس از کشف راه‌های دریایی و کاهش تبادلات زمینی، وقوع انقلاب صنعتی، پدیده استعمار و... همگی سبب شدند تا به مرور نیازمندی به مسیر ایران کمتر شده و نقش ایران به عنوان دل جهان با حقیقت دنیا متمایز گردد.

انکای ایران قاجار به تبادلات و ماحصل بازرگانی بسیار کمتر از ایران صفوی و تیموری بود، این امر حتی در دوران پس از خلع قاجاریه نیز علی‌رغم مواردی همچون احداث راه آهن شمال جنوب وجود دارد و ایران نتوانست سهم مناسبی از بودجه و حتی تولید ناخالص داخلی خود را از طریق تبادلات ترانزیتی و تعرفه‌های تبدالی تأمین و ایجاد نماید.

در سالیان نزدیک، احیای جمهوری خلق چین به عنوان یک قدرت

## «فراخوان»

«مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن» در نظر دارد با همکاری مراکز علمی برگزار نماید.

## نقد و بررسی تاریخ‌سازی قومی در ایران

## بررسی ویژه هفده شهر ایرانی قفقاز

### محورهای نشست

- تاریخ باستانی
- روابط عثمانی و ایران
- رسانه‌ها و تاریخ‌سازی
- جعل مفاهیم و اصطلاحات
- فرقه دموکرات آذربایجان
- جنبش‌های دو قرن اولیه اسلامی
- تاریخ معاصر و شخصیت‌های ملی
- اسطوره‌سازی و مراکز تاریخ‌سازی
- جریان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
- پیشینه، اهداف، انگیزه‌ها و شرکده‌های جعل و هویت‌سازی

### ملاحظات

چکیده و اصل مقالات به صورت تاپ شده در محیط word 2003 ارائه گردد. مشخصات کامل، رتبه علمی و آدرس پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان قید شود. مقالات دارای چکیده، کلیدواژه، ساختار مرتب علمی، ارجاعات به صورت پانوشته باشد. با توجه به شرایط شیوع کرونا این نشست علمی تخصصی به صورت مجازی برگزار خواهد شد.

### آدرسی

hamayesh@diyarekohan.net

دیوارخانه همایش

پیش همایش ۱۳۹۹/۱۱/۷

ارسال چکیده ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

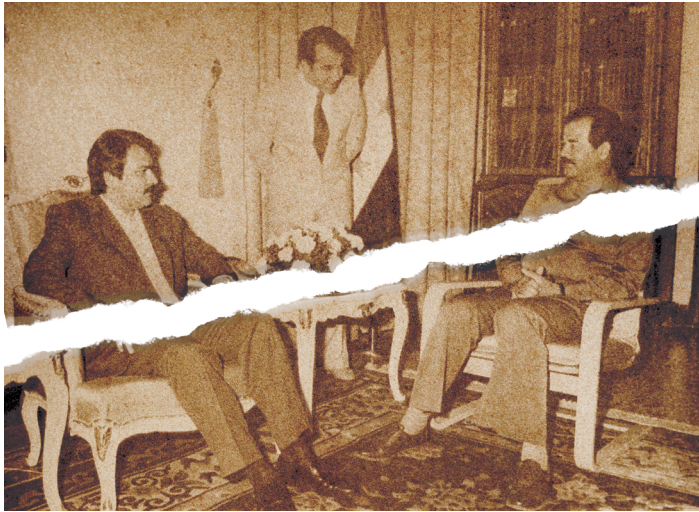




## وطن‌دو



دوهفته نامه فرهنگ و وطن یولی سال چهارم | شماره ۳۶ | ۸ صفحه



سرنوشت ایرانیانی که خدمت به بیگانه را انتخاب کردند

دوم دی ماه پنجمین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایران در تهران برگزار شد، در این دوره از این همایش سخنرانانی همچون: دکتر علی اشرف صادقی،دکتر امید طیبب زاده، دکتر نصالذه پور جوادی،دکتر مهرداد نغزگوی کهن،دکتر زهره زرشناس،دکتر آرش اکبری مفاخر، دکتر محمد جعفری دققی، دکتر احمد پاکتچی، دکتر مجدالدین کیوانی، دکتر جواد بشری،دکتر فرزانه گشتاسپ و... به سخنرانی حول موضوعات گوناگون در زمینه‌های تاریخی و منطقه‌ای زبان و گویش‌های ایران پرداختند. از مهم‌ترین عناوین سخنرانی‌های این همایش بین المللی می توان به شعرنو و تقویت وزن عروض (کمی) فارسی، زبان پهلوی و تصوف معمایی به زبان سغدی،جنبه واژگانی گویش سراسازی، سرچشمه زبانی حماسه‌سرایی در ایران باختری، توسعه کاربست مقایسه با اسلاوی درریشه شناسی واژگان فارسی، بررسی صفات منظومه باگین بشکرد در ادبیات بلوچی (با رویکرد زبان‌های ایرانی)،خط و گویشهای ایرانی اشاره کرد.

این همایش هر ساله به همت مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی و به ریاست محمد کاظم موسوی بجنوردی رییس این بنیاد برگزار می گردد.

در این دوره محورهای: پژوهش‌های تازه در زمینه‌زبان‌هاومتون ایرانی‌باستان (فارسی باستان، اوستایی، سکایی و مادی)، پژوهش‌های تازه در زمینه‌زبان‌ها و متون ایرانی میانه غربی (پارتی و فارسی میانه)،پژوهش‌های تازه در زمینه‌زبان‌هاومتون ایرانی میانه شرقی (سغدی، ختنی، خوارزمی و بلخی)، پژوهش‌های تازه در زمینه متون کهن فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی، جغرافیای زبان فارسی، رابطه زبان‌های ایرانی با دیگر زبان‌ها در گذر تاریخ، پژوهش‌های تازه در زمینه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی محورهای اصلی همایش بودند که محققان و پژوهشگران می توانستند جهت حضور مقالات خود را به دبیرخانه این همایش ارسال نمایند. لازم به ذکر است این همایش ضمن دویار تمدید مهلت دریافت مقالات تا انتهای شهریورماه اقدام به پذیرش مقالات دریافتی نمود.



زندگی رضا پهلوی بیش از پدرش با امریکا پیوند خورده است. رضا پهلوی که کاملاً در فرهنگ امریکایی رشد و پرورش یافته در زندگی شخصی‌اش که در شبکه‌های اجتماعی از خود منتشر می‌کند رفتارهای سبک سرانه‌ای انجام می‌دهد و چندان به آیین‌های ایرانی چون نوروز و یلدا و ... نیز پایبندی ندارد اما با شور و اشتیاق آداب جشن هالووین امریکایی را به جا می‌آورد.



و پس از آن به صورتی بسیار پر رنگ در تزییع و کشتار مردم بیگانه ایران و عراق و در خدمت رژیم صدام انحطاطی بزرگ و بی‌سابقه بود که یک فرد و گروه می‌تواند دچار آن شود. این فرقه که پس از مفقود شدن رجوی از سال ۱۳۸۱ و سرنگونی رژیم صدام به ابزاری در دست سایر سرویس های امنیتی عربی و نیز نیروهای دسته راستی ایالات متحده تبدیل شده است، در حال رقم زدن فصلی نو از گمناشتگی و سر سیردگی است، سال‌هاست از سرنوشت دقیق مسعود رجوی که کارنامه‌ای مملو از قتل و خیانت را رقم زد خبری نیست اما بنا بر شواهد او در این سال‌ها در اختیار آمریکایی‌ها بوده و در زندان آن‌ها مرگ را در آغوش کشیده است.

**محمدرضا پهلوی شاه بی‌اراده:**

رضا پهلوی آخرین ولیعهد ایران و پسر ارشد محمدرضا پهلوی است. محمدرضا پهلوی نیز در دوران حکومت خود وابستگی شدیدی به قدرت‌های خارجی داشت و اکثر اقداماتش نظیر انقلاب سفید و اصلاحات ارضی و .. با فشار و هدایت آمریکایی‌ها رقم می‌خورد. او که انتقال قدرت از پدرش را نیز مدیون قوای متفقین و پذیرش آنان می‌دانست و در دوران اشغال ایران توسط متفقین در این حد بازیچه و بی اطلاع بود که روزولت رئیس‌جمهور امریکا و چرچیل نخست‌وزیر انگلستان و استالین کمیسیر عالی شوراهای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی وارد تهران شده بودند و نشست تهران آغاز شده بود و تازه حکومت و مردم ایران از چنین اتفاقی مطلع شدند. بعدتر که ماجرا شوتر شد و در اختلاف میان دکتر مصدق نخست‌وزیر و محمدرضا پهلوی، شاه‌به‌انگای اطلاعات و برنامه‌ریزی امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها اجازه انجام کودتا را داد اما خودش نه تنها جرات هدایت و اجرای آن را نداشت که ۲۲ مرداد تهران را به مقصد رامسر ترک کرد و وقتی ۲۵ مرداد مرحله اول و در واقع مرحله اصلی کودتا در تهران شکست خورد رامسر را به مقصد بغداد ترک کرد و سرنوشت کشور را به دست مامورین سیا و ام ای ۶ سپرد. ۲۶ مرداد نخستین آوارگی محمدرضا پهلوی شروع شد و شاهی که به نیروی بیگانه تکیه کرده بغداد را به مقصد رم در ایتالیا ترک کرد. ۲۸ مرداد عوامل کودتا با سواستفاده از بی عملی مصدق عوامل خود را سازماندهی مجدد کردند و کودتای ۲۸ مرداد موفق و مصدق دستگیر شد و شاه آواره ۳۰ مرداد از ایتالیا به ایران بازگشت در حالی که این بار بیش از پیش خود را مدیون و مقهور بیگانگان می‌دانست؛ محمدرضا شاهی بود که بیگانگان تاج شاهی را بر سرش نهندند. پس از پیروزی انقلاب دومین و آخرین و درس‌آموزترین آوارگی محمدرضا شروع شد و او که بیماری سرطانش بالا گرفته بود از این کشور به آن کشور آواره شد و در نهایت در حسرت و حیرت که چگونه هم پیلانگان قدیمش او را رها کرده‌اند در کمتر از یک و نیم سال پس از انقلاب ایران در قاهره مرد. حال پسرش رضا پهلوی بی آنکه از سرنوشت پدر درس گرفته باشد، را و او را ادامه می‌دهد.

**رضا پهلوی شاه‌زده آمریکایی:**

زندگی رضا پهلوی بیش از پدرش با امریکا پیوند خورده است. رضا پهلوی که کاملاً در فرهنگ امریکایی رشد و پرورش یافته در زندگی شخصی‌اش که در شبکه‌های اجتماعی از خود منتشر می‌کند رفتارهای سبک سرانه‌ای انجام می‌دهد و چندان به آیین‌های ایرانی چون نوروز و یلدا و ... نیز پایبندی ندارد اما با شور و اشتیاق آداب جشن هالووین آمریکایی را به جا می‌آورد.

او هنگام پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ هم در امریکا بود و در این چهل سال نیز دست کم چهار نهاد و سازمان سیاسی برای مخالفت با جمهوری اسلامی در امریکا راه اندازی کرده که عمر برخی از آنها به چند ماه هم نکشیده و اعضای این گروه‌های چند نفره علت کناره‌گیری و انحلال این گروه‌ها را بی‌درایتی و ناتوانی و برتری طلبی و هزینه فساد مالی و عدم معلوم بودن حقیقت‌های این نهادها دانسته‌اند؛ گویا مهم‌ترین اختلاف این نهادها بر سر تقسیم مواجب پرداختی از سوی نیروهای بیگانه بین اعضا بوده است! این گروه‌های وابسته به او نظیر انجمن پادشاهی وانجمن تندر به اقدامات تروریستی کورنظیر بمب‌گذاری در هیات عزاداری در شیراز پرداختند و تعدادی افراد بیگناه را به قتل رساندند. اما رضا پهلوی در چند سال اخیر با روی کار آمدن دولت افراطی ترامپ مرزهای پیشین خیانت را پشت سر گذاشت و با همنوایی در تحریم های ستمکارانه علیه ملت ایران اقدام کرد و بر خلاف شعارهای توخالی ملی‌گرایانه وارد همکاری با گروهک‌های تجزیه طلب و تروریست مانند کومه‌لده و از غائله‌های تجزیه‌طلبانه و قوم‌گرایانه حمایت می‌کند. موضع‌گیری‌های سراسر ضد میهنی و نیز تعلقات منفایی با ارزش‌های ملی ایرانیان به نظر این بار از نادانی در راه گمناشتگی می‌رود که فرجام نیکویی ندارد، و باز گمناشتگی بدفرجام دیگری در راه است.

### شکست‌طلبی مفهومی سیاسی است که توسط گروه یا افرادی که تلاش می‌کند با اتکا به کشوری بیگانه در جامعه خود

### به قدرت برسند استفاده می‌شود. اما گویا تاریخ ایران با شکست‌طلب‌ها

### بی‌رحم‌تر از تاریخ است. سایر کشورهاست.

### شکست‌طلب‌های ایرانی همگی سرنوشتی بدفرجام داشته‌اند

مسعود رجوی هم از رهبران اولیه سازمان مجاهدین خلق ایران که برخلاف اکثریت آنان و به صورت شکستگویی توسط ساواک اعدام نشد و تا سال ۵۷ در زندان بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تلاش کرد تا در قدرت نقش آفرین باشد، این اقدام با عدم انتخاب از سوی مردم در انتخابات‌های خیرگان قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی از سوی سو، انصراف از انتخابات ریاست جمهوری به دلیل اعلام عدم شرکت کسانی که به قانون اساسی رای ن داده‌اند و همچنین عدم پذیرش برخی سمت‌های پیشنهادی مانند شهرداری تهران رخ داد. رجوی نیز فرمان را کنار بگذارد و به خواست و اراده عمومی مردم تن بدهد در سپهر سیاسی ایران باقی بماند و شانس خود را در رقابت‌های بعدی انتخاباتی بسنجد و دست کم به وضع فلاکت‌باری که در آن گرفتار شد دچار نشود. اقدامات مسلحانه و تروریستی سازمان مجاهدین خلق که به شهادت رهبران شاخص نظام تازه تاسیس جمهوری اسلامی و حدود ۱۷ هزار نفر از هم وطنان انجامید کارنامه ننگینی برای رجوی رقم زد اما پناه بردن او به دامن صدام حسین رهبر حزب بعث عراق و مشارکت در جنگ تحمیلی



خود را مطرح می‌کرد اما خان، هیچ‌کدام را نپذیرفت تا این که پیرمردی از میان جمع گفت: منظور وی این است که چند سال طول می‌کشد تا تالش به تصرف روسیه در بیاید. میرمصطفی‌خان به شدت خشمگین شده و باناسزا گفتن به روس‌ها، می‌گوید با روسیه همان کاری را خواهد کرد که با قاجار کرده بود. اما خیلی زود مرگش فرا رسید و نتوانست اشتباهاتش را جبران کند.

**سید جعفر جوادزاده پیشه‌وری)، باز یچه استالین:**

سید جعفر جوادزاده مشهور به سید جعفر پیشه‌وری مثال روشن‌تری برای بدفرجامی سیاستمداری است که چه بسا اگر اشتباه تابستان ۱۳۲۴ را در پذیرش پیشنهاد میرجعفرباقرافوی برای ماموریت محوله از پولیت‌بورو اتحاد جماهیر شوروی را نمی‌کرد شاید حتی به عنوان مبارزی خوشنام و حتی میهن‌دوست تا او یاد می‌شد.

او در آن دیدار پذیرفت تا تحت حمایت روس‌ها رهبری فرقه دموکرات آذربایجان و حکومت خودمختار آذربایجان را برعهده بگیرد و در عمل تجزیه آذربایجان از ایران را رقم بزند. او که شانس آن را داشت تا نمایندگی مردم تبریز را در مجلس شورای ملی پیدا کند می‌توانست پس از عدم تأیید اعتبارنامه‌اش با تلاش نمایندگان حامی احمد قوام مانند شریعت زاده(طیلباباوی) و نیز برخی رجال محافظه کار چون سید ضیاء طباطبایی همچون بسیاری از سیاستمداران که دوره فراز و نشیب زیادی را تجربه می‌کنند صبر پیشه کند و ماموریت محوله از سوی روس‌ها را نپذیرد و به ادامه فعالیت سیاسی در چارچوب ایران ادامه دهد. دوران حکومت فرقه برای پیشه‌وری به کوتاهی همین جمله بود «آن کس که به تو گفت بیا حالا می‌گوید برو!» پیشه وری در باکو زیر بار ملات و طمئنه‌های میرجعفر باقرافوف خرد شد در نهایت با تصادف رانندگی مشکوکی که عموماً آن را به باقروف نسبت می‌دهند کشته شد.

**مسعود رجوی قاتل بعثی:**

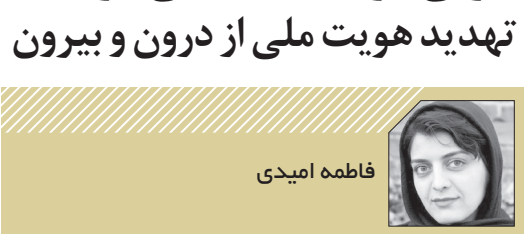
### میرزا مصطفی خان تالشی، خائن متوهم:

میر مصطفی خان تالشی حاکم خانات تالش پس از پدرش، میرجمال‌الدین‌خان، به حکومت رسید. میرجمال‌الدین فرمان حکومت تالش را از نادرشاه گرفته بود اما پسرش خیال استقلال کامل داشت ابتدا با اراکلی، پادشاه گرجستان و محمدخان حاکم ایروان به پشت‌گرمی حمایت روسیه مقابل آقامحمدخان قاجار متحد شد. با مرگ آغامحمدخان در قفقاز میرمصطفی از مجازات گریخت و فرصت دویبارهای یافت تا با جلب حمایت الکساندر اول نیروهای روسیه را در تالش مستقر کند. میر مصطفی خان در اندیشه تأسیس کشوری مستقل بود. او در طول جنگ‌های اول ایران و روسیه گاه متحد دولت ایران، و گاه نیز همدست ارتش روسیه بود و پس از شکست‌های بی‌دریبری ارتش ایران و پیشروی‌های ارتش روسیه، به دولت روسیه پیوست. روایت پایان کار وی با روس‌ها به نقل از اخبارنامه میرزا احمدتکترانی چنین آمده: « زمانی که میرمصطفی خان، لوی‌الوقای برافراشت، یک نامه از طرف وزرای دولت روسیه به سر کرده قشون روس در لنکران ارسال شده بود و از او پرسیده بودند: چند سال طول می‌کشد تا میوه تالش، رسیده و قابل خوردن شود؟ و نیز وی پاسخ داده بود: دست‌کم ۲۵ سال!میر مصطفی خان که به طریقی از این نامه‌نگاری باخبر شده بود، متعجب شده و نزدیکان خود را احضار کرد تا هر کسی برداشت خود از این نامه را مطرح کند. هر کسی، حدس و گمان

### به تدبیر پشت هوا بشکنیم

### ایران بزرگ؛ آرمان بزرگ!

### تهدید هویت ملی از درون و بیرون



فاطمه امیدی



برخی ملت‌ها ازلی‌اند یعنی از ابتدای تاریخ وجود داشته‌اند. این کشورها پایه‌ای برای فرهنگ دیگر کشورها بوده‌اند. دسته دوم ملت‌هایی هستند که از یک زمانی به بعد شکل گرفته‌اند. در این گونه کشورها ملت چیزی قراردادی است که در آن ساکنان یک منطقه توافق می‌کنند بر اساس منافع مشترکشان گرد هم جمع شوند و با سکونت در آن قلمرو صاحب حقوقی خاص می‌شوند. این شکل از ملت بر اساس سرمایه داری تجاری و منافع مشترک اتفاق افتاده است. به وفور مشاهده می‌شود که بسیاری از این کشورهای نوپا برای حفظ منافع و تثبیت موقعیت خود به تاریخ و هویت دیگر کشورها دست درازی هم می‌کنند و به شدت سعی در هویت‌سازی جعلی برای خود دارند. موقعیت استراتژیک ایران به گونه‌ای است که همواره مورد هجوم اقوام مختلف اعراب، مغول‌ها و ترک‌ها قرار داشته است. جنگ‌های ما در گذشته به صورت رو در رو و با زور نیزه و شمشیر بوده‌اند اما سبک این جنگ‌ها به مرور تغییر یافته و به گونه‌ای دیگر در حال انجام شدن است. کشورهای نوپا در اطرافمان که حتی برخی از آن‌ها زمانی جز خاک ایران بوده‌اند سعی در جعل تاریخ و به بیگما بردن نشانه‌های فرهنگیمان دارند. هر یک از آن‌ها سعی دارند مجسمه ای از تنه‌ی تومود فرهنگ و تاریخ ایران برای خود بسازند. نه تنها بیگانگان بلکه خودمان در این مسئله مقصر هستیم. با این وجود بسیاری از ما حتی حاضر نیستیم اندک آبی به پای این درخت تنومند بریزیم.

در حالی که بافت‌های تاریخی ما در جنوب کشور و درحاشیه خلیج فارس در حال تخریب است و جای آن را ساختمان‌های نمای رومی بر می‌کنند، در دبی هتل‌هایی برگرفته از بادگیرهای سنتی جنوب ایران ساخته می‌شود. سالهاست که کشورهای عربی سعی دارند باادگیر ایران را به نام خودشان ثبت کنند. در حالی که دولتمردان ما حاضر به برگزاری مراسمی در شان شاعران ایرانی نیستند، کشور ترکیه سعی دارد مولانا را به عنوان شاعری ترکی‌های به جهان معرفی کند. روز دیگر کشور آذربایجان دست درازی به سیمرخ برنده افسانه‌ای ایران می‌کند!این‌ها تنها نمونه‌های اندکی از تهدید فرهنگ ایران در سال‌های اخیر بود. در میان این کشمکش‌ها

مسئولین ما چه می‌کنند؟ آیا دردهای ایران را درمان می‌کنند؟ شما نمی‌توانید دردی را درمان کنید که اصلاً آن را قبول نداشتید! مسئولین مملکت هیچ وقت دغدغهٔ ایران، ملت ایران و تاریخ ایران را نداشته‌اند که بخواهند مسائل مربوط به آن را سامان دهند. یک دولت ملی بایستی هویت ملی و فضای ذهنی خودش را از راه‌های مختلف باز تولید کند. نویسندگان و هنرمندان بایستی تولیدات فکری، هنری و کاری خود را ارجاع تاریخی دهند. اگر ما در این راه اقدامی نکنیم، در اطراف ما بیگانگانی هستند که چشم طمع به تاریخ و هویت ما دارند و سعی دارند آن را به اسم خود تازند. در روزگاری نه چندان دور بزرگانی مانند فروغی و تیمور تاش "انجمن آثار ملی" را تاسیس کردند و سعی در احیا گذشته تاریخی ایران داشتند. اقدامات زیادی برای جلب علاقه عمومی مردم به میراث فرهنگی، حفظ آثار و صنایع باستانی انجام شد. هویت ایرانی را که به شدت در دوره قاجار ضعیف شده بود، زنده کردند. بسیاری از آرامگاه‌های شاعران و دانشمندان نامی ایران توسط این انجمن ساخته شد. بسیاری از بناهای تاریخی در این دوره مرمت شدند و جشن های ملی بی نظیری نظیر هزاره فردوسی توسط این انجمن برگزار شد. این انجمن پس از انقلاب به «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» تبدیل شد اما دیگر رونق و فعالیت‌های گذشته را نداشت و تنها یک اسم را یدک می‌کشید.

در جهانی که ترس از جاماندن و حذف ایران است، بار دیگر نیاز به ساخت روایتی نو از ایران داریم. تا بتوانیم بقای سرزمینی را که با مارت رسیده است حفظ کنیم. ما جامعه‌ای به یک آرزوی بزرگ اجتماعی و خیال ملی احتیاج دارد. ایجاد خیال سرزمینی و انعکاس آن در پدیده‌های مختلف اجتماعی فرهنگی نظیر مدارس، دانشگاه‌ها و سازمان‌ها بایستی مشهود باشد. خیال سرزمینی و ملی‌گرایی ایرانی بایستی در مقیاس کلان و در سراسر ایران بزرگ فرهنگی عمل کند اما این خرابه ایران نیست! چه قدر با ایران آرمانی که در ذهن پرورانده ایم فاصله داریم؟ کی می‌توانیم آن را بسازیم؟ آیا خواهیم توانست وطنمان را آن طور که دوست داریم ببینیم؟ آیا تا آن زمان زنده ایم؟ ما ملتی هستیم که هنوز حرف آخerman را نزده‌ایم، ققنوس هایمان از آتش بر می‌خیزند و در آینده‌ای نزدیک همه را شگفت زده خواهیم کرد. برای این کار به افرادی با روح بزرگ، خستگی ناپذیر و با همت بلند نیاز داریم که در این راه با پشتکار فراوان عمل کنند. موردی که اخیراً بسیار مشاهده می‌شود این است که بسیاری از افراد به صورت شواف گونه در فضای مجازی در حال شعار دادن هستند. بایستی موشکافانه تر به افراد نگاه کرد چرا که دو صد گفته چون نیم کردار نیست! میهن وسیله‌ای برای خودنمایی‌های شخصی نیست که با کبی پیس کردن جملات فرهنگی، تاریخی و سیاسی بخواهیم خود را دانا و جامعه شناس نشان دهیم! کشور ما در حال حاضر بیشتر از آن که به شعار و تظاهر نیاز داشته باشد، به عمل‌گرایی و تلاش نیاز دارد. بایستی نرم میان میهن دوستان و دغدغه‌مندان نمایشی با دغدغه‌مندان واقعی به درستی مشخص شود.

دیوان عبدالمجید تبریزی، از سخنوران گمنام آذربایجان در سده هشتم هجری و معاصر حافظ، به اهتمام دکتر علیرضا فوجه‌زاده و از سوی انتشارات مولی (آیدین) در تبریز منتشر شد.

عبدالمجید تبریزی، سرایندهٔ کمترشناخته شده‌اهل آذربایجان در سدهٔ هشتم هجری است که اطلاعات چندانی از زندگی وی در دست نیست. همین قدر دانسته‌است که در حدود ۶۹۹ق. در تبریز زاده شده و احتمالاً در فاصلهٔ سالهای ۷۵۷ تا ۷۶۸ ق. در گذشته‌است. آنچه از اشعار عبدالمجید تبریزی برمی‌آید، این است که به زراعت مشغول بوده و در ۵۵ سالگی به سفر حج مشرف شده و در بازگشت از زیارت خانهٔ خدا، به شیراز رفته و مدتی را در آنجا گذرانده‌است. وی در قالب‌های شعری قصیده، غزل، ترکیب‌بند، قطعه، مثنوی و رباعی طبع آزمایی کرده و مفاهیم است و موضوعات متعددی، از جمله حمد خدا، نعت پیامبر اکرم(ص)، عشق، عرفان، پند و اندرز، و حکمت، درونمایهٔ اشعار او را تشکیل می‌دهند. عبدالمجید تبریزی در قصیده‌سرایی، پیرو شاعرانی چون عنصری، انوری، طهریر فارابی، و در غزلسرایی، منتجع غزل‌های سعدی است. دکتر علیرضا فوجه‌زاده، مصحح دیوان عبدالمجید تبریزی، اخیراً مقاله‌ای نیز در مجلهٔ دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز در معرفی عبدالمجید منتشر کرده‌است.



در نشست مجازی بررسی هفتاد و پنجمین سالگرد ظهور فرقه دموکرات در آذربایجان مطرح شد

# نباید به ۲۱ آذربی توجهی کرد

هفتاد و پنجمین سالگرد ظهور فرقه دموکرات در آذربایجان در نشست مجازی مشترک نگارستان اندیشه و نشریه وطن یولی در روز ۲۱ آذرماه ۱۳۹۹ ساعت ۲۰۰۰ بررسی شد و هم‌اکنون نیز در صفحه اینستاگرامی نگارستان اندیشه در دسترس است.

در این نشست دکتر حمید احمدی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و دکتر عباس قدیمی قیداری استاد گروه تاریخ دانشگاه تبریز و دکتر عبدالله عبدی استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی به ایراد سخنرانی پرداختند.

دکتر حمید احمدی در این برنامه

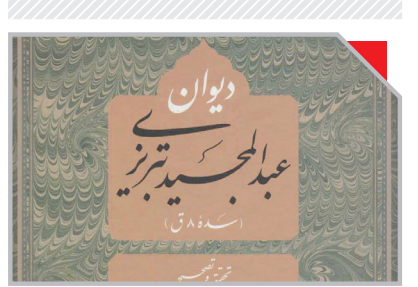
زنده که در صفحه اینستاگرام نگارستان اندیشه پخش شد پیرامون هفتاد و پنجمین سالگرد ظهور فرقه دموکرات در آذربایجان سخن گفت.

وی عامل سکوت طولانی مدت در حوزه ۲۱ آذر و علت توجه جامعه مدنی به این روز را چنین اظهار داشت که: ۱۰:این بی‌توجهی بر اساس یک تصور غلط استوار شده است که هرچه مربوط به

پیش از انقلاب است بد و منفی بوده و باید فراموش شود. در حالی که این رویداد یک مسئله ملی است و ربطی به حکومت ندارد. دوم اینکه این ماجرا هنوز ادامه دارد و فرقه دموکرات هم آغاز ماجرا نبود و ریشه‌دار بود و موضوع اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ هم همینطور است و نیروی دریایی و نیروی هوایی ایران جلانه مقاومت کردند و به شهادت رسیدند و حال نادیده گرفته می‌شوند و برخی از سر نادانی با خوشحالی می‌گویند ارتش پوشالی رضاشاه از هم پاشید در حالی که این ارتش متعلق به ملت ایران بود و افرادش فرزندان ایران بودند

و تحقیر این ارتش، تحقیر ایرانیان است. او در همین راستا به پیمان سعدآباد پرداخت و گفت در زمانی که دولت‌های اروپایی با کشتارهای فجیع با هم می‌جنگیدند، دولت ایران خواهان یک پیمان امنیت منطقه‌ای با همسایگان شد که عده‌ای آن را به کشورهای دیگر مانند انگلستان ربطی می‌دهند.

### دیوان عبدالمجید تبریزی منتشر شد



### سیاست ترکیه در قبال تحولات اخیر در قفقاز جنوبی(۲۷ سپتامبر –۹ نوامبر ۲۰۲۰)

# ترکیه در مسیر توسعه طلبی



اتش باری که از ۲۷ سپتامبر سال ۲۰۲۰ در قره‌باغ، منطقه مورد مناقشه دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان آغاز شده بود، بار دیگر ظاهراً فروکش کرده و طرف های درگیر به میز مذاکره بازگشته اند. این تحول اتفاق تازه‌ای از این دست نیست. هدف حداکثری از جنگ درگرفته در قره‌باغ، تغییر دادن نقشه سیاسی قفقاز و هدف حداقلی آن تحمیل شکست بر ارمنستان در برابر باکو و جدا کردن قره‌باغ از پیکر ارمنستان و در نتیجه گشودن یک جبهه وسیع در حیطا خلوت روسیه است.
یافت قومی و نژادی در منطقه قفقاز هم به گونه‌ای است که می‌تواند زمینه ساز این هدف باشد، در این منطقه گروه‌های نامتجانسی از قومیت‌ها و نژادهای مختلف وجود دارند و متعدها با کوله باری از تاریخ پرفراز و نشیب زندگی می‌کنند. ترکیه که از نظر موقعیت سیاسی نظامی به جمهوری آذربایجان نزدیک و از دید تاریخی با ارمنستان دشمنی دارد، مورد ناگورنو قره باغ را آرمانی برای حمایت های علنی از باکو قرار داده است. در سال ۱۹۲۳ استالین منطقه قره‌باغ را که اکثریت ساکنان آن ارمنی هستند، همچون تئحفای با جمهوری آذربایجان شوروی ملحق کرد و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این منطقه بدون این‌که به ارمنستان بپیوندد، خود را مستقل اعلام کرد. اکنون الهام علف‌ا رئیس جمهوری آذربایجان می‌خواهد، این تحفه استالین را باز پس بگیرد. اما رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه، وقت را مناسب دیده تا جبهه تازه‌ای در قفقاز باز کند؛ او که پیش از آن جنگ عثمانی جدیدی را در سوریه، عراق، لیبی و «مپهن آبی» درشرق مدیترانه، گشوده است. با به قدرت رسیدن حزب عدالت توسعه" در ترکیه در سال ۲۰۰۲ میلادی، سیاست خارجی این کشور در روابط منطقه ای و فرامنطقه ای دستخوش تغییرات جدی شد . سیاست خارجی ترکیه قبل از ۲۰۰۲ یک سیاست خارجی به مراتب غرب گرا و تک بعدی بود و این کشور بخش عمده سیاست های خود را در جهت رابطه با غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا و عضویت در اتحادیه اروپا شکل داده بود. اما با روی کار آمدن دولت عدالت و توسعه، سیاست خارجی ترکیه از یک سیاست تک بعدی تبدیل به یک سیاست خارجی چندبعدی، عملگرا و منافع محور در محیط پیرامونی و جهانی شد. یکی از ابعاد مهم این سیاست خارجی متحول شده، توجه به مناطق پیرامونی و کشورهای همسایه به منظور افزایش نقش و جایگاه ترکیه در این مناطق از جمله قفقاز جنوبی میباشد. اصول سیاست خارجی جدید ترکیه را باید در اندیشه ها و دیدگاه های رهبران حزب عدالت و توسعه مخصوصا شخص داوود اوغلو دید. داووداوغلو در سال ۲۰۰۱ دومین کتاب خود را با عنوان عمق راهبردی منتشر کرد. داوداغلو در این کتاب ادعا میکندکه ترکیه به طور گسترده مناطقی از قبیل خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین مناطق پیرامونی خود را نادیده گرفته است. او توصیه میکند که، ترکیه نباید خود را در جبهه شرقی اروپا و با نگاه تک بعدی به غرب ببیند بلکه باید خود را در مرکز حوزه نفوذ مخصوص به خود ببیند و با کشور هایی که در مجاورتش قرار دارد روابط نزدیک برقرار کند.

محورهای اصلی مورد نظر داوود اوغلو:

الف) تعدیل اختلافات با همسایگان

ب) سیاست خارجی چند بعدی

ج) یک زبان دیپلماتیک جدید

د) ایجاد توازن درسیاست خارجی

ترکیه خود را قدرت محافظ آذربایجان، جمهوری شوروی سابق می‌داند. جمعیت هر دو کشور دارای شباهت های قومی و زبانی است. پس از استقلال دولت کوچک آذربایجان در درای کاسپین در سال ۱۹۹۱، دکترین "دو کشور، یک ملت" به سرعت تأسیس شد. هر دو کشور (آذربایجان و ترکیه) با همین شعار روی روابط دو جانبه شان تأکید می‌کنند. در جریان جنگ اخیر قره باغ دیدیم که مقامات سیاسی ترکیه و نیز مردم ترکیه به شدت از مردم و مسئولان آذربایجانی حمایت کردند. در برخی منابع رسمی نیز آمد که در سایه حمایت‌های اردوغان برخی گروه‌های تروریستی برای جنگ با ارمنستان راهی منطقه قره باغ شده اند و همچنین این کشور در حمایت‌های نظامی نیز برای متحد خود در قفقاز کم نگذاشت. این اقدامات در آینده منجر به این خواهد شد که سطح تعاملات و روابط میان ترکیه و آذربایجان عمیق‌تر شود و ما شاهد حضور چشمگیرتر ترکیه در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز باشیم. درگیری های قفقاز ماهیت سیاست های منطق های ترکیه را بیشتر از پیش روشن می‌کند، به ویژه این که انکارا از مدتی بدین سو سیاست بهره برداری از مزدوران جنگی و انتقال آنها از یک نقطه درگیری به نقطه دیگر همان گونه که نخست در سوریه و لیبی و اکنون در قفقاز اتفاق می‌افتد را پیشه کرده است. تردیدی نیست که روند انتقال شبه نظامیان ازیک کشور به کشور دیگری برای تحقق اهداف یا مأموریت های خاصی به رهبری ترکیه، تهدید جدید و بی سابقه های است که منطقه با آن روبه رو می‌شود. مداخله ترکیه در آذربایجان، باعث نگرانی ایران نیز شده است. چنان‌چه حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران در هفتم اکتبر جاری هشدار داد که درگیری در قره‌باغ ممکن است به یک جنگ بزرگ منطقه‌ای منجر شود. وی افزود که ایران با هر کشوری که حمایت‌ت‌ها را به مرزهای آن منتقل کند، مسامحه نخواهد کرد. حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان به این معنی است که منطقه قفقاز نیز به جمع مناطقی خواهد پیوست که سیاست خارجی این کشور در آن‌ها درگیر است. انکارا سال‌ها است که از باکو حمایت می‌کند، اما عمق دخالت فعلی فرصتی جدید در اختیار دولت می‌گذارد تا نه تنها قابلیت‌های خود در سیاست خارجی را به نمایش بگذارد، بلکه احساسات ناسیونالیستی را نیز در داخل تشدید کند. ترکیه حمایت خود را از آذربایجان که شعار « یک ملت در دو کشور » را سر می‌دهد اعلام کرد، اما در واقع، ترکیه آذربایجان را افزون بر منافع اقتصادی به عنوان نقطه ای می‌داند که به آن اجازه می‌دهد نفوذش را در آسیای میانه گسترش دهد. انکارا قصد دارد با ایجاد یک خط راه آهن گسترده در این مسیر، ترکیه را به عنوان مرکز حمل و نقل کالاهای تجاری در منطقه تبدیل کند. تقویت مواضع ترکیه در منطقه مشهود است. واقعیت جدید ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی نشان می‌دهد که اکنون صحبت از صلح طولانی مدت در این منطقه بدون مشارکت ترکیه دشوار خواهد بود و این صلح برای اجرای بسیاری از پروژه ها در زمینه انتقال نفت و گاز و همچنین سایر پروژه های ارتباطاتی بسیار ضروری است. «تاناپ» و «باکو – تفلیس – جیحان» از جمله پروژه‌هایی هستند که منافع بسیاری از کشورهای در آنها وجود دارد، بویژه ترکیه که استقلال انرژی خود از جمله از روسیه را به تحقق آنها مرتبط می‌داند.

در بحبوحه مناقشه قره باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰، بسیاری از کارشناسان روس از احتمال گسترش نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی

دو هفته نامه فرهنگ وطن یولی

سیاست ترکیه در قبال تحولات اخیر در قفقاز جنوبی(۲۷ سپتامبر –۹ نوامبر ۲۰۲۰)

# ترکیه در مسیر توسعه طلبی

تا جایی که قادر به تأثیرگذاری روی تصمیمات سیاسی و سپس نظامی – سیاسی خواهد شد) صحبت به میان آوردند. به طور خاص به احتمال ایجاد نیروهای مسلح «توران» متشکل از کشورهای ترک نژاد آسیای مرکزی و ترکیه اشاره شد. تشدید فعالیت های ترکیه با وجود رکود اقتصادی این کشور، حاکی از آن است که افزایش تدریجی نفوذ در آسیای مرکزی از اولویت‌های سیاست خارجی «انکارا» می‌باشد. البته با این وجود نمی‌توان گفت که تأثیر ترکیه در آسیای مرکزی با نفوذ روسیه و چین قابل مقایسه می‌باشد، اما اگر آن را در سطح تأثیر فرهنگی و تاریخی بر مردم منطقه در نظر بگیریم، نتیجه می‌گیریم که ترکیه قادر به تضعیف قابل توجه روابط روسیه با آسیای مرکزی خواهد بود. برای ترکیه، جنگ قره‌باغ نمایشی بود از نقش فزاینده انکارا در منطقه استراتژیک مهم قفقاز جنوبی. ارتش پیروزمند جمهوری آذربایجان توسط ارتش ترکیه آموزش دیده است و حمایت تجهیزاتی می‌شود. نظامیان ترکیه نقشی کلیدی در هدایت حمله‌های پهبادی که عاملی تعیین‌کننده در این جنگ بودند ایفا کرده‌اند، هر چند که انکارا این ادعاها را تکذیب می‌کند.

**سیاست خارجی ترکیه در قفقاز**

الف) گسترش نفوذ در منطقه و یافتن جایگاهی مناسب
یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه، چند جانبه گرایی در روابط بین الملل و توجه به مناطق پیرامونی می‌باشد . یکی از مناطقی که در این زمان برای مقامات ترکیه اهمیت داشت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بود. از این رو ترکیه تلاش می‌نمود تا نفوذ خود را در این مناطق افزایش دهد. برای رسیدن به این هدف آذربایجان به عنوان کلید دست یافتن ترکیه به این منطقه و منافع آن بود. زمینه‌های مشترک فرهنگی و زبانی میان دو کشور ترکیه و آذربایجان عامل تسریع کننده و مهمی برای ترکیه در جهت توسعه نفوذ در منطقه محسوب میشد.

ب) استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی

یکی از اصلی ترین مظاهر قدرت نرم ترکیه در قفقاز، ارائه الگوی پیشرفت ترکی برای کشورهای این منطقه است که به منظور افزایش حوزه نفوذ سیاسی در منطقه و جلوگیری از نفوذ الگوی اسلام رادیکال و الگوی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی شده است . این الگوسازی تا جایی برای ترکیه مهم است که داوود اوغلو مردم سالاری ترکیه را مهم ترین جنبه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی کشورش میدانند و از توازن بین امنیت، آزادی و مردم سالاری در کشورش یاد میکنند. او میگوید ایجاد چنین توازنی به یک کشور اجازه می‌دهد تا در عرصه بین المللی نقشی فعال ایفا کند. در این راستا در عرصه عمل بارزترین نمود قدرت نرم ترکیه را میتوان در استفاده این کشور از انجمن های غیر دولتی، فرهنگی، تجاری و حتی شبکه های ماهوارهای مشاهده کرد.

ج) اندیشه پانترکیسم و نئوعثمانیسم

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه این حزب ترکیه را به عنوان یک رهبر برای ترک زبانه معرفی کرده است و در همگرایی و توسعه روابط میان کشور های ترک زبان و آذری زبان فعالیت گسترده‌ای را شروع کرده است. شعار این حزب اتحاد میان ۲۰۰ میلیون ترک زبان از بالکان تا آسیای مرکزی و قفقاز است. یکی دیگر از اهداف بلند مدت و ایده آل این حزب اندیشه نئوعثمانیسم و رسیدن ترکیه به دوران شکوه و عظمت امپراتوری عثمانی است . درحالی که در دوران کمالیست ها توجه به مناطق سابق امپراتوری عثمانی را مانعی برای ترکیه میدانستند. ولی امروزه بسیاری از ترک ها دید مثبتی نسبت به امپراتوری عثمانی دارند. به نظر می‌رسد دولت عدالت و توسعه دکترین نئوعثمانیسم را ابتدا در جهت قدرت منطقه‌ای شدن و سپس قدرت جهانی شدن ترکیه طراحی کرده است.

**پیامدهای مداخله ترکیه در قفقاز**

جنگ اخیر بار دیگر تضادهای قومی-مذهبی در منطقه را زنده و تشدید کرده است. احتمال تداوم شدت یافتن این تضادها که امنیت منطقه را به خطر می‌اندازد، وجود دارد. به ویژه اینکه اگر شرایط جدیدی که جنگ اخیر نیز به نفع جمهوری آذربایجان ایجاد کرده، تثبیت شود شرایط برای ارمنستان، به دنبال جریحه‌دار شدن غرور ملی ارمنیان و در عین حال بحران اقتصادی که از سال‌های گذشته دامن ایروان را گرفته، سخت‌تر شده و احتمال سقوط دوباره دولت را افزایش خواهد داد. تشدید رقابت منطقه‌ای و ایفای نقش بازیگران فرامنطقه ای می‌تواند موجب پیچیده‌تر شدن شرایط منطقه شود. به‌طور نمونه اگر چه در مقابل هم قرار گرفتن سیاست قفقازی ترکیه، روسیه و یا سایر بازیگران مانند آمریکا، اروپا و یا عربستان، می‌تواند همراه با تهدیدها و نگرانی‌هایی برای ایران باشد. اما قرار گرفتن ایران در کنار جمهوری آذربایجان نیز هیچ تضمینی برای منافع ایران ندارد. با وجود سیاست هژمونی‌جویانه و سلطه‌طلبانه ترک‌ها در منطقه، به نظر می‌رسد انکارا از روابط مسالمت‌آمیز ایران و جمهوری آذربایجان هم احساس نگرانی کنند. چرا که نقطه دوستانه دو کشور شیعی، چشم‌انداز مطلوبی بسیاری انکارا یا رقبای ایدئولوژیک ایران در منطقه قرار نمی‌دهد. در همین حال ایزوله شدن بیش از پیش ارمنستان منجر به از دست رفتن لابی ارمانه برای ایران خواهد شد و در عین حال ایروان را به سوی غرب سوق خواهد داد. به مداخله ترکیه در قفقاز جنوبی، افزایش نفوذ این کشور، فرصت‌های اقتصادی برای ایران بیش از پیش محدودتر خواهد شد. مسلمانا ترکیه به دنبال تقویت و حفاظت از کریدور شرقی – غربی انرژی در مقابل کریدور شمال – جنوب است که ایران یکی از ارکان مهم آن می‌باشد.

**ملاحظات ایران**

بحران در قره‌باغ علاوه بر اینکه امنیت ایران در مرزهای شمال غربی را به خطر می‌اندازد، احتمال سرریز شدن بحران به داخل مرزهای ایران را هم دارد. شواهد سال‌های اخیر نیز نشان می‌دهد باکو و همچنین ترکیه در تحریک قوم‌گرایی در مناطق آذری‌نشین ایران با ظرافت قابل ملاحظه‌ای فعال است و در واقع الهام‌بخش قوم‌گرایان و تجزیه‌طلبان آذری در مناطق آذری‌نشین ایران است. جنگ در قره‌باغ می‌تواند ابزارهای تجزیه‌طلبان را برای تحریک احساسات قومی بیشتر کند. باید هر عامل داخلی که احساسات جدایی‌طلبانه قومی در این منطقه را تحریک می‌کند، کنترل کرد. با این حال راهبرد مناسب برای اتخاذ بی‌طرفی مثبت در جهت برقراری آتش‌بس و صلح در منطقه است. تشدید بحران در منطقه نه تنها به دلایل یاد شده در بالا، بلکه بنا به دلایل دیگر برای ایران بسیار خطرناک است. اما همان اندازه که خدشه‌دار شدن آتش‌بس و توافق صلح در منطقه برای ایران زیان‌بار است، همان اندازه ورود نظامی و ایفای نقش ترک‌ها در مناطق آذری‌نشین ایران است. جنگ در غیرقابل کنترل روبرو می‌کند. ترکیه در قفقاز جنوبی قابل اعتماد نیست. چنانچه در جنگ اخیر نیز با تهدید وارد ساختن گروه‌های ستیزه‌جو چون قفقازی و افراط‌گرایان مذهبی نظیر بحران سوریه و عراق، این بحران را به جنگ بی‌چشم‌انداز تبدیل کرده بود. ترکیه در بحبوحه اثبات نموده با هیچ کدام از همسایگان رابطه‌ای توأم با مناسبات برابر و حسن همجواری نمی‌خواهد.

## سدسازی در روزگار هخامنشیان: معماری در خدمت جهاننداری



داریوش احمدی

داریوش احمدی، مدیرعامل شرکت سدسازی ایران، در جریان بازدید از سد بامیران در استان فارس، در کنار وزیر امور خارجه و نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی، علی قزوينی، در شهریورماه ۱۳۸۶.

سرزمین ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و نوع اقلیم آن، همواره با مسئله و بحران آب روبه‌رو بوده است. ارجمندی و سپیدی عنصر آب در فرهنگ و دین‌های ایرانی، بازتابی از کمبود و اهمیت آب در ایران‌زمین است. بدیهی است مدیریت و پایش منابع آب در آسیای غربی باستان و ازجمله در ایران باستان، به‌ویژه برای مصارف کشاورزی، وظیفه‌ی خطیر و مهم پادشاهان بوده است.

در ایدئولوژی پادشاهی هخامنشی، آبادسازی جهان رسالت و مسئولیت مهم پادشاهان بود. شه‌ریاران پارسی بر این باور بودند که پشتیبانی از کشاورزی و آبادانی زمین از طریق تقویت نیروهای دفاعی و نظامی، برقراری امنیت و عدالت، و مدیریت و حفظ منابع طبیعی موجب حاکم‌شدن نظم و ثبات و رفاه در جهان و رسیدن آن به شکل آرمانی خود (فرشکردی) می‌شود. کسنفن (Xenophon)، سردار و تاریخ‌نگار یونانی، در کتاب خود، اکونومیکا (دfter چهارم)، از استادش سقراط نقل می‌کند که: «پادشاهان پارس به‌ویژه اشتغال به[ فن کشاورزی و جنگ را جزوارجمندترین و بایسته‌ترین فعالیت‌های‌دانستند و به این فنون بیشترین علاقه را داشتند». این فیلسوف یونانی می‌افزاید: «وقتی پادشاه پارس می‌خواهد به رعایای خود هدیه بدهد، نخست کسانی را فرامی‌خواند که در جنگ‌ها از خود دلآوری نشان داده‌اند؛ زیرا همه‌ی کسانی که روی زمین کشت‌وکار می‌کنند، در غیاب افرادی که باید از کشتزارها محافظت کنند، بهره‌ای از کار خود نخواهند برد. او سپس کسانی را فرامی‌خواند که بهتر از همه زمینشان را آباد و کشت کرده‌اند، چرا که حتا جنگجویان دلیر نیز بدون یاری کشاورزان نمی‌توانند زندگی کنند». سقراط از شاهزاده کورش (پسر شاهنشاه داریوش دوم، سرفرمانده نظامی کل آسیای صغیر و ساتراپ لودیبه و فروگیه) نقل می‌کند که گفته بود: «هن خودم شایسته‌ی دریافت هدایای تعیین‌شده برای هر دو طبقه‌ام؛ زیرا که من هم بهترین آبادکننده‌ی زمینم و هم بهترین نگهدار آبدای‌ها».

شه‌ریاران هخامنشی برای مدیریت و پایش منابع محدود آبی، آبیاری کشتزارها و آب‌رسانی به شهرها، طرح‌هایی نوآورانه مانند احداث کاریز (قنات) و پروژه‌هایی گسترده مانند سدسازی و کانال‌کشی را در قلمرو خود اجرا کردند؛ زیراکه آبادانی و رفاه قلمرو خود و جلوگیری از گزند دشمن و قهر طبیعت و آسیب پیمان‌شکنان را لازمه‌ی مقام جهاننداری خود می‌دانستند.

کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌یافته در نواحی مجاور دو شهر پارسه و پاسارگاد، شبکه‌ای منظم از آبراهه‌ها، سدها و آب‌بندها را آشکار کرده است که کشاورزی را در این پهنه با بهره‌گیری از آب‌های سطحی سرچشمه گرفته‌از کوه‌ها ممکن می‌ساخته است. باستان‌شناسان در شمال پاسارگاد شبکه‌ای عظیم از سدها و آببندهای طراحی‌شده برای محافظت از اقامتگاه سلطنتی در برابر سیلاب‌ها را کشف کرده‌اند. آثار به‌دست آمده از این ناحیه، شواهدی بسنده و بسیار را درباره‌ی شیوه‌های کشاورزی هخامنشیان و تلاش‌هایشان برای مدیریت آب‌های سطحی به‌دست می‌دهند. از جمله بازمانده‌های چنین سازه‌هایی، سد شهیدآباد در نزدیکی شهرستان خرمبید، بند دختر در نزدیکی دروزن (شصت کیلومتری شمال غربی تخت جمشید) با دو دریچه‌ی آب‌بند قوس‌دار و سدی جاده‌ای در برد بریده است که آن نیز دریچه‌های آب‌بند قوس‌داری داشته است.

اما مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سد بازمانده و شناخته‌شده از روزگار هخامنشیان، سد بستان‌خانی دیدگان در ۲۲ کیلومتری شمال پاسارگاد است. این سازه در اسفند ۱۳۸۶ ثبت ملی شد. کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌یافته در این سازه که از اواخر شهریور ۱۳۹۹ آغاز شده است، آگاهی‌های ارزنده‌ای را درباره‌ی این سد بزرگ به‌دست داده است. این سد همراه با سدهای دیگر و آبراهه‌هایی پرشمار، شبکه‌ی منظم و عظیم توزیع و مدیریت آبی‌های سطحی منطقه‌ی پاسارگاد را تشکیل می‌داده‌اند. سد دیدگان از گونهٔ سدهای خاکی با هسته‌ی خاکی و پوسته‌ی لانه‌سنگی است که در دهانه‌ی دره‌ی کوهستانی احداث شده است. بلندای تاج آن ۲۱ متر، درازای آن ۱۷۰ و پهنای آن ۷۰ متر بوده است. میدان آبی ذخیره‌شده در پشت این سد که از چشمه‌های پیرامونی و رود پلوار فراهم می‌شده، مساحتی بالغ بر دویست هکتار داشته است. در پایین‌ترین بخش سد و هم‌سطح کف دره، سازه‌های فاقری شناسایی گردیده است که با به‌کارگیری بلوک‌های سنگی تراش‌خورده‌ی چهارگوش ساخته شده و همانند بناهای پاسارگاد با روش خشکه‌چین و با استفاده از بست‌های فلزی احداث شده‌اند. ساختار معماری ورودی آبراه، بستر سنگی آب‌پخش و تنظیم‌کننده‌ی میزان خروجی آب، سازه‌ی معماری شرقی و اجاق‌ها بخش‌هایی است که طی کاوش‌های انجام‌یافته شناسایی شده است.

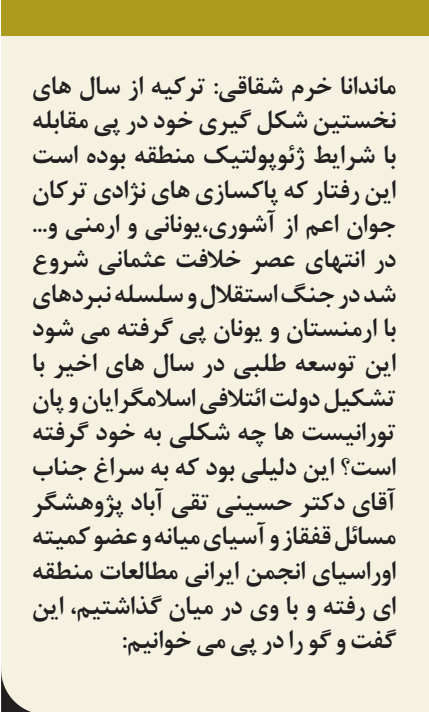
هدف از ساخت این سدها مهار سیلاب‌های فصلی در سرشاخه‌های رود پلوار، ذخیره‌سازی آب برای استفاده در زمان کم‌آبی رودها و در خشک‌سالی‌ها، و آبیاری و آبادانی کشتزارها، باغ‌ها، پردیس‌ها و سکونتگاه‌های این منطقه و ازجمله مجموعه‌ی بزرگ پاسارگاد بوده است. به‌گفته‌ی باستان‌شناسان، تکنیک‌ها و روش‌هایی که برای ساخت سدها و آبراهه‌های این شبکه به‌کار گرفته شده، هوشمندانه و در چارچوب یک برنامه‌ریزی علمی و با مهندسی دقیق اجرا شده است.

این دستاوردهای مهم هخامنشیان در زمینه‌ی معماری و سدسازی گویا و گواه آن است که ایرانیان روزگار هخامنشی نه تنها در زمینه‌ی جنگاوری و مدیریت سیاسی و سازمان‌دهی اداری برتر و توانمند بودند، بلکه در عرصهٔ علوم و فنون و فناوری نیز پیشگام و سرآمد بودند. شه‌ریاران هخامنشی جهاننداری را در گرو آبادانی و آبادانی را آرمان جهاننداری می‌دانستند.

### بیانه گروه مینسک درباره توافق قره باغ



نخست‌وزیر ارمنی، سرگئی لارووف، نخست‌وزیر آذربایجان، ایلیا احمدی، و وزیر امور خارجه روسیه، سرگئی لارووف در جریان نشست سه‌جانبه در مقر سازمان امنیت و همکاری اروپا در بروکسل، بلژیک.



سرگئی لارووف، نخست‌وزیر روسیه، ایلیا احمدی، نخست‌وزیر آذربایجان، و سرگئی لارووف، نخست‌وزیر ارمنی، در جریان نشست سه‌جانبه در مقر سازمان امنیت و همکاری اروپا در بروکسل، بلژیک.

■ **تحلیل شما درباره توسعه‌طلبی‌های ترکیه در منطقه در سال‌های اخیر چیست؟**

بیش از ۱۸ سال از روی‌کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه می‌گذرد. در این مدت این حزب با محوریت آقای اردوغان در عمل نشان داد با وجود ناگزیری از التزام به مبانی حکمرانی در ترکیه جدید که توسط آنتارک و پارتنش بنیان گذاشته شده است رویکردهای خود را دارد و در این رویکردها طیف وسیعی از رفتارها را در فضای سیاست داخلی و خارجی بروز داده و می‌دهد، رفتارهایی که فصل مشترک آنها معطوف به فراهم آوردن زمینه حضور طولانی‌تر در رأس قدرت در ترکیه و اعمال تغییرات مد نظر در فضای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی، نظامی و امنیتی این کشور است، از این‌رو بهره‌گیری از گزاره‌های مبتنی بر تاریخ و یا جغرافیای سیاسی و یا مقولات فرهنگی و هویتی در حوزه سیاست خارجی و به‌ویژه مسایل منطقه‌ای برای پیشبرد اهدافی که بخشی از آنها معطوف به سید رای داخلی و به حاشیه راندن رقیبا است، پدیده‌ی تکرار‌شونده‌ی دولت اردوغان در سال‌های گذشته بوده است. تبعاً در چنین چارچوبی مذاکلات در مسایل منطقه توسط دولت ترکیه مبتنی بر گزاره‌های تاریخ‌محور و حتی برپایه برخی رویها و اوهام که می‌توان آنها میراث عثمانی دانست، دور از انتظار نبوده و نخواهد بود.

هرچند تمایلات اسلام‌گرایانه اردوغان و یاران او و تلاش‌های آنها در جهت اجرایی کردن برخی از گرایش‌های‌شان در برهه‌هایی واکنش‌های مدافعان لائیسسته در ترکیه را برانگیخت و اردوغان در حوزه سیاست خارجی خویش نیز به‌ویژه در بحران سوریه و تحولات مصر پس از سقوط مبارک گرایش‌های اخوانی‌اش را پنهان نکرد، اما موفقیت‌های اقتصادی دولت آک پارتی و ذکاوت سیاسی اردوغان و طیف متنوع و پویای ائتلاف‌سازی‌های داخلی و خارجی او و اشراف و استفاده تمام‌عیار وی از ظرفیت‌ها و اختیاراتی که مناصب نخست‌وزیری و متعاقب ریاست‌جمهوری در اختیارش نهاده بود و چرخش‌های صدهشتاد درجه‌ای و عملگرایی او و به تبعش دولت وی، تاکنون هیچ‌گاه به رقیبا امکان درهم‌شکستن هیمنه قدرت او را نداده است و اردوغان موفق به پشت سر گذاشتن بحران‌های بزرگی نظیر اعتراضات موسوم به پارک گزی و فکشاگرایی‌های جنبش گولن و انشعاب در آک پارتی و به شکست انجام‌ییدن مصالحه کردی و همچنین کودتای نیمه ژوئیه ۲۰۱۶ شده است.

وقتی به تاریخ قریب به هجده ساله حضور اردوغان در رأس هرم سیاسی ترکیه نگریسته‌شود و صرفاً به تحلیل و بررسی سیاست منطقه‌ای او پرداخته‌شود از اجرایی شدن سیاست معطوف به تنش صفر با همسایگان تا بروز رفتارهایی که برخی تحلیلگران آن را معطوف به تنش صرف با همسایگان ارزیابی می‌کردند و سپس توان بازسازی و بازارآرایی سیاست منطقه‌ای، مثلا همکاری با ایران و روسیه در چارچوب مذاکرات آستانه، مشاهده می‌شود. نباید از خاطر برد که ترکیه‌ای که با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه شاهد بهبود روابط متنشح در پیچیده‌ترین مناسباتش با یونان و سوریه بود و روابطش با سوریه در دو اواخر دهه اول قرن بیست و یکم به سطحی ارتقا یافته بود که دو کشور در مسیر تشکیل هیئت دولت‌های مشترک در مسایل مورد توافق بودند، ناگهان با آغاز تحولات شمال افریقا و خاورمیانه عربی و رسیدن دومینوی ناآرامی‌ها به سوریه، اردوغان از موضع دوستی با بنشار اسد به موضع خصومت جدی با او تغییر وضعیت داد و شاهد بودیم که چگونه دخالت‌های ترکیه در بحران سوریه و حمایت آن از انواع گروه‌های

گروه مینسک، سازمان امنیت و همکاری اروپا شامل روسیه، آمریکا و فرانسه خواستار خروج تروریست‌ها و مزدوران خارجی از قره‌باغ شد.

به گزارش خبرگزاری دولتی، گروه مینسک، سازمان امنیت و همکاری اروپا روز پنجشنبه در بیانه مشترکی اعلام کرد که همه تروریست‌ها و مزدوران خارجی باید از محدوده قره‌باغ اخراج شوند و باکو و ایروان باید به این روند کمک کنند.

سرگئی لارووف وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی بویژه در رابطه با مبادله اسرای جنگی و تحویل اجساد کشته‌شدگان را رعایت کنند.

آن‌ها بر اهمیت تامین شرایط برای بازگشت داوطلبانه، امن و بدون خطر افراد و مهاجران به منطقه قره باغ تاکید کردند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سران گروه مینسک همچنین به اهمیت محافظت از میراث فرهنگی و تاریخی و مذهبی در قره باغ و مناطق پیرامون آن اشاره کرده و از ایروان و باکو خواستار همکاری با سازمان های بین المللی برای اجرای تعهدات خود در این عرصه‌ها شدند. ایرنا نوشت: گروه مینسک، سازمان امنیت و همکاری اروپا شامل روسیه، آمریکا و فرانسه خواستار خروج تروریست‌ها و مزدوران خارجی از قره‌باغ شد.

به گزارش خبرگزاری دولتی، گروه مینسک، سازمان امنیت و همکاری اروپا روز پنجشنبه در بیانه مشترکی اعلام کرد که همه تروریست‌ها و مزدوران خارجی باید از محدوده قره‌باغ اخراج شوند و باکو و ایروان باید به این روند کمک کنند.

سرگئی لارووف وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

سرگئی لارووف، وزیر خارجه روسیه، ژان ایو لهدریان، وزیر خارجه فرانسه و استیون بیگن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در بیانه مشترک خود از دولت‌های ارمنستان و جمهوری آذربایجان خواستند تا قوانین انسانی بین المللی را رعایت کنند.

به گزارش خبرگزاری آناتولی، این طرح که از سوی دولت رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه ارائه شده است، به دنبال استقرار نیروهای صلحبان در منطقه قره‌باغ به مدت یک سال است. در توضیح این طرح ذکر شده است که این استقرار "در راستای منفعت و رفاه مردم این منطقه" و همچنین در جهت منافع ملی ترکیه است. این در حالی است که بر اساس توافق سه‌جانبه صورت گرفته برای آتش بس در قره‌باغ که به امضای روسیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان رسیده این تنها صلحبانان روسی هستند که در حد فاصل نیروهای دو کشور برای نظارت بر آتش بس مستقر می‌شوند.

تلاش اردوغان برای دریافت مهر تایید پارلمان ترکیه برای اعزام نیرو به قره‌باغ در شرایطی انجام می‌شود که علاوه بر مخالفت سخنگوی وزارت خارجه روسیه، سخنگوی نخست‌وزیر ارمنستان هم گفته صحبت‌های رئیس‌جمهوری آذربایجان

**ما در جنگ‌های طولانی مدت میان عثمانی‌ها به‌سر کردگی شاه سلیمان قانونی با ایرانی‌ها به فرماندهی شاه تهماسب اول صفوی شاهدیم که عثمانی‌ها درصدد دست‌اندازی به قلمرو ایران از جمله مایملک کشور در منطقه‌ای که امروز قفقاز نام دارد، برآمده‌اند و البته در نهایت در بخشی از معاهده صلح آماسیه در ۱۵۵۵ میلادی در تعیین خطوط مرزی متقابل، به مسئله قفقاز کنونی پرداخته می‌شود و می‌بینیم که بخش عمده‌ی آن به جز گرجستان غربی با همان ایمرتی به‌عنوان قلمرو ایران به رسمیت شناخته می‌شود.**

ژئوپلیتیک و جایگاه و ظرفیت‌های ترانزیتی و همچنین منابع انرژی، اهمیت بالایی دارد و بُعد مکانی آن با ترکیه نیز در مقایسه با کشورهای آسیای مرکزی کم‌تر است، جدی‌تر بوده است، اما در جنگ قراباغ که از ۱۹۸۸ آغاز شده بود و از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ در اوج بود، ترکیه حمایت لفظی و نه نظامی از دولت باکو را در دستور کار داشت و در ادامه نیز حمایت‌های سیاسی را پی گرفت و حتی در ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ شاهد خیز ترکیه برای برقراری روابط رسمی و مصالحه با ارمنستان بودیم که البته در نهایت به فرجام نرسید و صلابت‌ه که مسئله بین دو کشور بیش از آنکه منج از موضع حمایتی ترکیه از جمهوری آذربایجان در منازعه قراباغ بوده باشد، موضوع تعیین تکلیف کشتار ۱۹۱۵ ارمنی‌ها توسط دولت عثمانی بود. به هر حال روابط آنکارا و باکو نیز به‌رغم همه تعارضات و تمجیدها، طی حدود سه دهه گذشته، و البته حضور اقتصادی چشمگیر ترکیه در جمهوری آذربایجان و تحقق پروژه‌های عظیم مشترک نظیر خط لوله باکو – تفلیس جیحان و شمار دیگری از خطوط انرژی و راه‌های ترانزیتی، با فراز و فرودهایی همراه بوده است. حتی باکو در چارچوب پیشبرد فرآیند دولت‌سازی و ملت‌سازی خویش نه بر ترک‌گرایی که بر نسخه‌ای که کوشید برای خویش و ملهم از ترک‌گرایی بیبچد، یعنی آذربایجان‌گرایی متمرکز شد. در این بین در جنگ اخیر قراباغ شاهد وقوع یک تحول جدی در الگوی حاکم بر مناسبات طرفین طی سه دهه گذشته بودیم و آن حضور و حمایت جدی نظامی ترکیه از جمهوری آذربایجان در میدان جنگ بود، چه در چارچوب نیروهای نظامی ترکیه‌ای و یا مزدورانی که بسیاری از کشورهای اروپایی و همچنین روسیه و جمهوری اسلامی ایران، آنها‌را از اعضای گروه‌های شبه‌نظامی افراط‌گرای مذهبی مخالف دولت قانونی سوریه دانستند و چه در چارچوب کمک‌های تسلیحاتی و لجستیکی که مشهورترین آنها، پهپادهای اعضای گروه‌های شبه‌نظامی افراط‌گرای مذهبی مخالف دولت قانونی سوریه دانستند و چه در چارچوب کمک‌های تسلیحاتی و لجستیکی که مشهورترین آنها، پهپادهای ریزفشار ترکیه‌ای بود.اتفاقی که توجه بسیاری از کنشگران از جمله تحلیلگران ایرانی را به خود جلب کرد.

■ **علاوه بر توضیحات فوق، نقش و عملکرد ترکیه در جنگ اخیر قراباغ را چگونه می‌بینید و همچنین واکنش‌های ناشی از شعرخوانی آقای اردوغان.**

به نظر می‌رسد پس از شکست حزب عدالت و توسعه در تکمیل فرآیند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی، تا‌کامی آقای اردوغان در شمال آفریقا به ویژه مصر، و عدم تحقق خواسته‌ی او برای رهبری جهان اسلام از جمله در موضوع مقابله با رژیم اسرائیل که به دلایل مختلف از جمله تناقض‌ها در حرف و عمل دولت آنکارا در تقابل با اسرائیل از سویی و تدام بخشیدن به روابط آن از سوی دیگر به‌وقوع پیوست و شکست اخوانی‌ها در سطح کلان در منطقه، شاهد ایفای نقش پررنگ ترکیه در جنگ اخیر قراباغ هستیم نقشی که تنها محدود به فضای رسانه‌ای یا نظامی نیست، تا جایی‌که آتش‌بسی که با حضور وزرای خارجه جمهوری آذربایجان و ارمنستان در شنبه ۱۹ مهرماه ۱۳۹۹ در مسکو حاصل شد با واکنش منفی مقامات نظامی ترکیه روبه‌رو شد و این مقامات به ادامه جنگ تا حصول نتیجه قطعی تأکید کردند که آتش‌بس مذکور نیز دوام نیافت، رویدادی که مؤید کنشگری جدی آنکارا در جنگ قراباغ بود.البته نمی‌خواهم که بیچیدگی‌های حضور ترکیه در جنگ اخیر قراباغ را به تحلیل فوق تقلیل دهم و از زمینه‌ها و علل و عوامل مختلف اقتصادی و امنیتی و سیاسی و فرهنگی آن و ریل‌گذاری‌های معطوف به آینده و در اساس، فرصت‌طلبی و وقت‌شناسی آنکارا در این ورود

مینی بر اینکه ماموریت صلحبانی در قره‌باغ شامل نیروهای ترکیه هم می‌شود، صحت ندارد.

با این حال، ریاست‌جمهوری ترکیه پس از رایزنی تلفنی پوتین و اردوغان اعلام کرد، ترکیه و روسیه بر اجرای آتش‌بس در قره‌باغ از یک مرکز نظارت مشترک نظارت خواهند داشت. براساس آن، اردوغان در گفت‌وگو با پوتین، این را گام درست آنها در جهت حل دائمی اوضاع خواند و افزود آنکارا و مسکو به طور مشترک فعالیت‌های مربوط به نظارت بر آتش‌بس در قره‌باغ را انجام خواهند داد.

بر اساس توافق جدید، جمهوری آذربایجان مناطقی از قره‌باغ را که در طول درگیری تصرف کرده است، حفظ می‌کند اما ارمنستان موافقت کرد طی چند هفته از چندین منطقه عقب‌نشینی کند. نیروهای حافظ صلح اعزامی روسیه هم شامل ۱۹۶۰ نظامی به همراه ۹۰ خودروی زرهی و ۳۸۰ تجهیزات نظامی دیگر خواهند بود.

### اردوغان هم چنان به فکر اعزام نیرو به قره‌باغ است



دو هفته نامه فرهنگ‌ی وطن یولی

سال چهارم | شماره ۳۶ | صفحه

همه‌جانبه و پشت پرده‌های احتمالی آن در قالب توافقی ها

و یارگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، فراتر از مسئله قراباغ، به‌ویژه با توجه به آرایش کنشگرانی که درگیری‌ها در جوار مرز جمهوری اسلامی ایران و تغییر ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی و همچنین ثوار مرزی ایران را به دقت دنبال می‌کردند، چشم‌هبوشم. در واقع نگاهم به تبیین گوشه‌ای از ماجرا است که اکنون واضح‌تر است. در ضمن باید به خاطر داشت که آقای اردوغان علاوه بر سبدهای رای، نینگاهی نیز به سال ۲۰۲۳ و یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه دارد و برای آن ایام علاقمند به داشتن برگ‌هایی موفق در کارنامه تحركات منطقه‌ای خویش دست‌کم در انظار و اذهان بخشی از مخاطبان داخلی‌اش است.

به هر روی سیر وقایع در طول جنگ قراباغ به نحوی پیش رفت که مجموعه رسانه‌ای متمایل به ترکیه‌ایتکار عمل را در تمام طول جنگ در اختیار داشت، و رسانه‌های جمهوری آذربایجان و رسانه‌های رسمی ترکیه رویکرد مشابه و ظاهراً هماهنگی را دنبال کردند و با وجود حمایت سیاسی که از سوی جمهوری اسلامی ایران در موضوع آزادسازی اراضی متعلق به جمهوری آذربایجان صورت گرفت و همچنین تأکید مؤکدی که تهران بر حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان داشت و صبوری که تهران در برابر رویدادها در حاشیه مرزهایش به خرج داد، اما پیروزی در جنگ قراباغ علاوه بر آقای الهام علی‌یف به نام آقای اردوغان نوشته شد و شعرخوانی رئیس جمهور ترکیه در رژه پیروزی که از منظر برخی تحلیلگران به طرز معناداری در روز پیش از سالگرد شکست فرقه دموکرات آذربایجان برنامہ‌ریزی شده بود، با واکنش شدید ملت و دولت ایران روبه‌رو شد.

نکته بسیار مهم در اینجا این است که

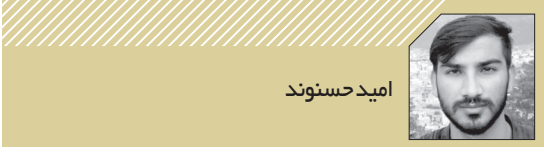
شماری از صاحب‌نظران ایرانی در همان بحبوحه جنگ قراباغ پیش‌بینی می‌کردند که اگر در این جنگ اهداف مد نظر ترکیه محقق شود در گام بعدی دست‌کم برخی اوهام و آمال گروهی از فعالان سیاسی و قومی ترک‌گرا که از قضا حزب حرکت ملی، مؤتلف حزب حاکم عدالت و توسعه نیز است، توسط برخی تربیون‌ها مطرح خواهد شد که در عمل شعرخوانی آقای اردوغان جدای از آنکه منظور ایشان چه بوده است، تحقق بسیار زودهنگام همان پیش‌بینی در بااهمیت‌ترین شکل آن بود، یعنی طرح و لو تلویحی برخی ادعاهای توسعه‌طلبانه آنهم از زبان عالی‌ترین چهره سیاسی ترکیه، و از این جهت شعرخوانی آقای اردوغان آن‌هم در آن تاریخ و در آن جایگاه و در آن مراسم، از سوی افکار عمومی و شمار زیادی از صاحب‌نظران ایرانی بسیار جدی گرفته شد. نباید از خاطر برد که آقای اردوغان و حزب ایشان دست‌کم ده سال است که به‌شکلی مرزی تفوق خویش را در صندوق‌های رأی حفظ کرده‌اند و ریزش‌های این حزب نیز دست‌کم از لحاظ چهره‌ها چشمگیر بوده است و آقای اردوغان نه تنها مؤتلفان قدیمی نظیر جنبش گولن در جایگاه خصم می‌بیند و برخورد‌های بسیار سخت قضایی نیز با اعضا و یا منصوبان جنبش مس‌کند



**اردوغان در حال نماز. نفر اول از سمت چپ دولت باغچه‌لی رهبر حزب افراطی و پان‌تورانیستی حرکت ملی و مؤتلف اردوغان**

بیا تا جهان به بد نسپریم

## کردهای شورشی و نوعثمانیسم



در طول تاریخ پانصد سال اخیر منطقه دست کم برای کسانی که به نوعی با عثمانی درگیری داشته‌اند، کردها همیشه در کنار عثمانی‌ها دیده شدند. شاید بتوان مهم ترین علت این اتفاق را شکل‌گیری حکومت صفوی شمرد که باعث شد عمده کردها که سنی مذهب بودند به سوی عثمانی سوق داده شوند. آنچنانکه همان کردها که در کنار آوزون حسن آق‌قویونلو علیه سلطان محمد فاتح عثمانی جنگیده بودند، در جنگ چالدران با زمین‌هایی که از سوی سلطان سلیم یاوزو به ایشان وعده داده شد بود، در کنار او ایستادند. امرای کرد سواد زیادی از این تغییر جبهه بردند و زمین‌های بسیاری نصیبشان شد و قلمرو امارت‌های کرد بشدت افزایش یافت.

در جنگ‌های بعدی عثمانی‌ها با صوفیه، کردهای قلمرو عثمانی نقش فعالی داشتند و بارها اراضی کردهای ایران را تصرف کردند. آنچنانکه امارت بابلان در آغاز در آن بخش از اراضی اردلان شکل گرفت که به تصرف عثمانی در آمده بود و بعدها همین امرای کردستان بابلان چندبار قلمرو امرای اردلان که تابع ایران بودند را اشغال نمودند و در طی دوران اشغال اراضی غربی ایران توسط عثمانی‌ها، عشایر کرد قلمرو عثمانی به این مناطق کوچیدند تا حامی منافع عثمانی در این سرزمین‌ها باشند و در همین راستا حتی زبان خود یعنی زبان سورانی را در مناطق مکریان و اردلان گسترش دادند و زمین‌های عشایر کرد ایرانی را غصب نمودند.همچنین در طی نسل‌کشی ارمنیان و اسوریان در عثمانی هم کردها نقش فعالی داشته و دودناوش ترک‌ها در این کشتار بزرگی ایفای نقش نمودند. واحدهای سوران حمیدیه تماما متشکل عشایر کرد سنی مذهب بودند و به کشتار مسیحیان قلمرو عثمانی اشغال داشتند، فقط به سلطان عثمانی وفادار بودند و اتفاقاً اولین قربانیان قوای حمیدیه، کردهای علوی بودند.

البته با ورود ناسیونالیسم زبانی از اروپا به آسیای غربی اوضاع تغییر کرد و برخی از امرای کرد با حمایت فقهای شافعی که در رقابت با فقهای حنفی بودند، برای استقلال سر به شورش برداشتند و سرکوب شدند. با این حال رابطه نزدیک کردها و خلافت عثمانی حفظ شد چراکه فقه شافعی و تسنن نقشی اساسی در کردهای قلمرو عثمانی داشت.

حتی اولین شورش‌های کردهای ترکیه نوین هم بیش از آنکه جنبه قومی داشته باشد، جنبه مذهبی داشت و آنان خواهان بازگشت خلافت عثمانی بودند و اصلا علت شورش ایشان مقابله با سیاست‌های ضد مذهبی آتاترک بود. حتی رهبران شورش هاروحلیانی همچون سید رضا درسیمی و شیخ سعید پیران بودند. آنچنانکه جنبش‌های کردی در ایران هم بعضاً همینطور بودند و سبقه مذهبی داشتند مانند شورش شیخ عبیدالله نهری در عثمانی و حمله او به اراضی ایران و یا جریان جمهوری مهاباد که رهبرش قاضی محمد یک شخص با وجهه مذهبی بود.

در عراق هم جنبش کردی ضد انگلیسی توسط شیخ محمود برزنجی قلمب صوفیه قادریه بود که خود را شاه کردستان خوانده و همزمان مورد حمایت عثمانی و بعدها آتاترک بودلنا تاریخ به ما نشان می‌دهد که نو عثمانی‌گری از بابت مذهبی توان جذب کردها به سوی خود را دارد.اما حال که به رابطه شیخ محمود برزنجی با آتاترک اشاره کردیم بهتر است بگوئیم که عموم رهبران کرد خارج از مرزهای ترکیه با دولت ترکیه روابط خوبی داشته و دارند.

اسماعیل آقا سمیتقو رهبر ایل شکاک که او نیز خود را شاه کردستان نامیده و سال‌ها در آذربایجان غربی عامل آشوب و ناامنی بود، روابط زیادی با آتاترک داشت و همینطور ملامطفی بارزانی و فرزندش مسعود بارزانی با ترکیه روابط خوبی داشتند و دارند و حتی مسعود بارزانی هنگام جنگ برادر کشی «شهری براکوزی» یا جنگ داخلی کردستان عراق (۱۹۹۴-۱۹۹۷)، با حمایت ترکیه و سووار بر تانک‌های صدام، اربیل را از تصرف نیروهای اتحادیه میهنی خارج نموده و تمام پشمرگان جلال طالبانی که اسیر شدند و ۱۹۹۷ وادر شمال عراق کرد تاز بارزانی در برابر پ.ک.ک دفاع کند و از آن زمان پایگاه‌های خود را در عراق نه‌تنها حفظ کرده بلکه گسترش هم داده است و حال به بهانه مبارزه با پ.ک.ک ۵۰ پایگاه نظامی در عراق دارد.

اما در کشور دیگر یعنی سوریه، به محض اینکه سوریه بهم ریخت، پیش از آنکه داعش ظهور کند، کردهای سوریه با کمک پ.ک.ک به کاتلون سازی روی آوردند و مناطق مختلفی را از جنگ قوای دولتی سوریه به در آوردند و بعد هم با داعش مواجه شدند و با حمایت ائتلاف ضد داعش توانستند اراضی بسیاری را به جنگ آورند. اما به زودی ترکیه فرا رسید و نخست کاتلون فرعین را تسخیر نموده و در مرحله بعدی به سوی دیگر کاتلون پیشروی نموده و مناطقی را تصرف نمود.

نکته جالب اینجاست که رابطه نزدیکی میان ترکیه و ناسیونالیسم کرد وجود دارد که شامل سه نکته زیر می‌شود.

۱: قوم‌گرایی کردی یا ناسیونالیسم قومی کرد ریشه دار نبوده و به موازات پانترکیسم و با الگو براری از آن شکل گرفته است.

کردها تقریباً در همه کشتارهایی که ترکان آناتولی انجام دادند، در کنار ایشان حضور داشته‌اند. در کشتارهایی که علیه ارمنی‌ها و آشوری‌ها و آشوری‌ها حتی کردها صورت گرفته است، همیشه گروه‌هایی از کردها پای ثابت بودند و این نکته هم فراموش نشود که برخی از این کشتارها مانند کشتارهایی که از آشوری‌ها و ایزدی‌ها و کردهای علوی(در دوران عثمانی و نه جمهوری) صورت گرفته، عامل اصلی کشتار خود کردها بودند و ترک‌ها فقط نقش نظارتی داشته‌اند.

همچنین رویکردهای تاریخ‌نگاری و مطالعات قومی کردها نشان میدهد آنان کاملاً پیرو تاریخ‌نگاری پانترکی بوده و همان مطالب و سخنان را اینبار با نام کرد معرفی میکنند. مانند مصدراة دولت‌ها و اقوام باستانی که هویت مشخصی ندارند و آنان

حتی با فراتر نهاده و همه تیره‌ها و زبان‌های ایرانی را نیز کردی معرفی میکنند.

۲: دولت ترکیه همیشه از جنبش‌های کردی در خارج از مرزهای خود حمایت‌های عملی با لفظی نموده است که دو نمونه بارز آن حمایت‌های این کشور در دوره عثمانی و جمهوری‌ت آق‌اسماعیل آقا سمیتقو و شیخ محمود برزنجی و خانواده بارزانی بوده است که پیشتر توضیح داده شد.

۳: مورد سوم را می‌توان با این شعار نمود که گویی«هر کجا جنبش کردی است، آنجا عمق استراتژیک ترکیه است»

در واقع طی دهه‌های اخیر بر ما بیاداست که هر‌جا جنبش کردی شکل گرفته است ترکیه به بهانه مبارزه با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) به آنجا حمله نموده و دست به عملیات نظامی و امنالگری زده است. کمابینه ترکیه به بهانه مبارزه با پ.ک.ک در عراق دخالت نموده و اقتصاد این کشور را به دست گرفته و در قلمرو بارزانی پایگاه‌های نظامی ایجاد نموده است و مناطق روستایی را بمباران می‌کند و در سوریه هم به بهانه مبارزه با پ.ک.ک دست به اشغالگری زده است.

در واقع هرکجا که پ.ک.ک برود و فتنه آفرینی کند، ترکیه می‌رود و اشغال می‌کند. این درحالیست که نقشه‌های تهیه شده توسط خود ترک‌ها نشان میدهد که آنان قصد خروج از این مناطق را نداشته و آنان را بخشی از خاک خود می‌دانند. فراموش نکنیم که طی معاهده ۱۹۲۳ ترکیه در صورتی از ادعای خود نسبت به استان‌های حلب و موصل دست برداشت که این حق را داشته باشد که در صورت هر‌گونه آشوب و ناامنی حق دخالت مستقیم نظامی در این دو منطقه را داشته باشد. نتیجه اینکه ترکیه از قوم‌گرایی کردی در خارج از مرزها حمایت میکند تا مناطق کردنشین را به آشوب بکشاند و پ.ک.ک در آن مناطق فعال شود و سپس ترکیه به بهانه مبارزه با پ.ک.ک در این مناطق دست به اشغالگری بزند

## ۹۴قطعه آجر لعابدار بوکان وارد موزه ملی شد



دوهفته‌نامه فرهنگی وطن یولی

شماره ۱۳۶ | شماره ۸ | صفحه

۴۹ قطعه آجر لعابدار بوکان شب یکشنبه ۳۰ آذر ماه ۹۹ وارد موزه ملی ایران شد. خوشبختانه این پرورنده با مشارکت و همکاری نزدیک نهادهای حقوقی و فرهنگی کشورهای ایران و سوئیس به ثمر رسید، پس از صدور حکم رفع توقیف در سال ۲۰۱۶ و تحویل آن به سفارت جمهوری اسلامی ایران در برن، سرانجام در آذرماه سال جاری به تهران رسید و در موزه ملی ایران جای گرفت».
ر سال‌های اول انقلاب اسلامی در اثر حفاری‌های غیرمجاز گسترده در تپه فلاچی شهرستان بوکان آجرهای لعابدار کم‌ظلیری کشف شد که متأسفانه برخی از آن‌ها از بازارهای عتیقه خارج از کشور سر در آوردند. در آن سال‌ها از سوی اداره‌کل باستان‌شناسی هیئتی به بوکان اعزام و با انجام یک فصل کاوش نجات‌بخشی، تعداد زیادی آجر لعابدار و کتیبه‌ای به خط آرامی کشف می‌شود، با ادامه کاوش‌ها در تپه فلاچی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ در مجموع تعداد ۴۵۰ تکه آجر، حاصل

از حفاری‌های علمی و توقیف‌شده از قاچاقچیان به موزه ملی ایران انتقال داده می‌شود.
بازگرداندن این آثار در سال ۱۳۹۱ با وصول خبری مبنی بر در اختیار داشتن مجموعه‌ای از آجرهای لعابدار توسط خانواده‌ای ایرانی ساکن سوئیس و تمایل آن‌ها برای فروش در دستور کار معاونت میراث‌فرهنگی، اداره‌کل موزه‌ها و اداره‌کل حقوقی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی قرار گرفت.
اخذ وکیل محلی، تشکیل پرونده حقوقی در مراجع ذی‌صلاح کشور سوئیس، تدارک و تدوین مدارک اثبات آجرهای لعابدار به ایران با همکاری معاونت‌های حقوقی ریاست جمهوری، اداره‌کل حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، دادستانی کشور سوئیس و پیگیری برای بازگشت این آثار که یک دهه به طول انجامید، سرانجام به صدور رفع توقیف و حکم بازگرداندن این آثار به ایران در سال ۲۰۱۶ از سوی دادستان کل سوئیس شد.

## شش

پرداختن به همهٔ تحریفات این مقدمه بیش از یک یادداشت می‌طلبد ولی در چند نمونهٔ دیگر می‌توان نام بردن از حکومت قاجار که دو سوّم خاک پاک ایران را به باد دادند، با عنوان حکومت مقتدری که خدمات آن‌ها بر فرهنگ و علم این مملکت به یاد ماندنی است یا نیاوردن نمونه ها اسناد، منابع و یادکردهای فراوان زبان دیرین آذربایجان، با عبارت جرارد پای آن در آثار دلاوینی چون خاقانی و فلکی شروانی و نظامی گنجوی و ذوالفقار شروانی و… دیده نمی‌شود؟ و سپس ترک نامیدن خاقانی با تحریف آشکار بیبی از آن بزرگوار و ترغند همیشگی در نامبردن احمد کسروی به نام نخستین کسی که بحث درباره آذری و بودن یا نبودن آن را به صورت نسبتاً گسترده تر به میان آورد را برشمرد.

اصطخری، مختصر تاریخ الدول و حدودالعالم تلاش دارد ایران دوستان و دانشمندان آذری پرآوازه در جهان ماننددکترعباس زریاب،دکتر منوچهر مرتضوی،دکتر

جواد شیخ الاسلامی، ناصح ناطق، یحیی ذکا، رحیم رضا زاده ملک، عبدالعلی کارنگ، محمدرضا شاعر و… را که با عبارت "بیچاره هایی که به زبان مادری خود سطری ننوشته‌اند" یاد کرده به نام همان‌ها که "تلاش علیحده ای دارند تا نام آذربایجان را از صفحه تاریخ به گمان باطل خود بزایند!" معرّفی کرده و خود و هم قطارانش چون صدیق را روشنگرانی جلوه دهد که از این منابع برای نخستین بار نام می‌برند و بالطبع روشنگری هایشان نیز با خوانش آذربایجان به نام آذربایجان با معنای ترکی خواهد بود، زیرا برابر حقیقت و واقعیتِ ایرانی ریشهٔ واژه و معنای نام آذربایجان کاری برای انجام نخواهند داشت. سپس با استدلالی تکان دهنده، دلیل اینکه "چرا بیشتر فرهنگ‌ها فارسی به ترکی بوده‌اند یا حتی فرهنگ فارسی به فارسی اثر قطران بوده‌است را" "چون زبان مردم آذربایجان ترکی بود، در کنار آن آموزش زبان دیگری نیز در اولویت بود" دانسته و نمی‌گوید چرا زبان مردمان آذربایجان ترکی بوده ولی برای یادگیری زبان فارسی، به جای فرهنگ ترکی به فارسی، بیشتر فرهنگ‌ها فارسی به ترکی و فارسی به فارسی بوده‌اند. جایی دیگر با گزارش ناصرخسرو از قطران در عبارت "شعری نیک گفت اما زبان پارسی نیکو نمی‌دانست"، زبان بومی قطران را که با پارسی دری متفاوت بوده است پنهان می‌کند؛ زیرا زبان دبیران و چامه سرایان همان پارسی دری و زبان گفتگو میان مردم آذربایجان پهلوی آذری بوده‌است و خود قطران زبان پارسی (آذری) را در برابر زبان دری خراسان آورده‌است:

**بلبل به سان مطرب بیدل فراز گل**  
**گه پارسی نواز، گاهی زند دری**

یاد ر ستایش شاه‌ابوالخلیل جعفر از فرمان‌روایان بومی آذربایجان درباره ترکان چنین سروده‌است:
**گر نبودی آفت ترکان به گیتی به پدید**  
**بستندی گیتی همه چون خسروان باستان**
و یا به هنگام ستایش فرمان روی دیگری از فرمان‌روایان آذربایجان در نکوهش ترک (تباران) که آنان را دلیل ویرانی ایران برشمرده چنین گفته‌است:

**اگر چه داد ایران را بَلایِ ترک ویرانی**  
**شود از عدلش آبادان چو یزدانش کند یاری**
همراز از بیش از ۳۰ بیت ترکی خاقانی که در دیوانش نبوده و مستند به کتاب نکته‌ها از گفته‌ها اثر برات زنجانی کرده سخن می‌گوید. این کمترین به کتاب نامبرده دسترسی نداشتم، ولی باید گفت: اگر و بنابر احتیاط در میان انبوهی از سروده‌های خاقانی، به درستی ۳۰ بیت ترکی واقعی از او باشد، سندی بر پایداری زبان دیرین آذربایجان تا آن هنگام است؛ چرا که در غیر این صورت، باید جایی بیش از ۳۰ بیت فارسی منسوب یا واقعی او پیدا می‌شد و دیگر سروده‌هایش به ترکی می‌بودند. برای همین هم یک تحریف آشکار انجام داده و بیت:

هر کی عجمی ولی لغز گوی
یلواج شناس تنگری جوی

را که در میان سروده‌ای از تحفه العراقین خطاب به حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم آمده‌است، به صورت:

ترک عجمی ولی دری گوی
یلواج شناس و تنگری گوی

آورده و آن را "اعتراف خاقانی به سرودن شعر فارسی در عین ترک بودن" دانسته‌است! شاید چنین کردارهای تُرکانه در همان زمان بوده که خاقانی را وادار به سرایش بیت زیر کرده‌است:

خون من خورد و ندید از دوستی

در روی من خونم همی خوری که تُرا دوستم بلی
تُرک این چنین کند که خوردن خون به دوستی پرداختن به همهٔ تحریفات این مقدمه بیش از یک یادداشت می‌طلبد ولی در چند نمونهٔ دیگر می‌توان نام بردن از حکومت قاجار که دو سوّم خاک پاک ایران را به باد دادند، با عنوان "حکومت مقتدری که خدمات آن‌ها بر فرهنگ و علم این مملکت به یاد ماندنی است" یا نیاوردن نمونه‌ها، اسناد، منابع و یادکردهای فراوان زبان دیرین آذربایجان، با عبارت "چرارد پای آن در آثار دلاوینی چون خاقانی و فلکی شروانی و نظامی گنجوی و ذوالفقار شروانی و… دیده نمی‌شود؟" و سپس ترک نامیدن خاقانی با تحریف آشکار بیبی از آن بزرگوار و ترغند همیشگی در نامبردن احمد کسروی به نام "نخستین کسی که بحث درباره زبان آذری و بودن یا نبودن آن را به صورت نسبتاً گسترده تر به میان آورد" را برشمرد.

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

# این سوی ارس کجاست؟

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی

از این سوئی



جعفر وثوقی

به استهزاء گرفته شدن دائمی پریشان گویی‌های قوم‌گرایانه در محافل علمی برخی مُصَحَف سازان قوم‌گرا را به مستندنمایی همراه سفسطسه‌های پیشرفته‌تر از قبیل واداشته تا شاید تمییز دانشان دشوارتر بنماید. آنچه در مقدمهٔ مُصحَفی به نام "یادداشت‌هایی از تاریخچه زبان و ادبیات ترکی آذربایجان در این سوی ارس" از رضا همراز آمده نمونه‌ای از تلاش‌های مستندنمایی ادعاهای قوم‌گرایان است. همراز پس از شش سطر نخست در آغاز مقدمه چنین آورده:
"آذربایجان: به راستی چه رازی در این کلمه چهار هجایی وجود دارد که خیلی‌ها آن را دوست داشته‌وبه تاریخ و فرهنگش افتخار می‌نمایند و کسانی نیز تلاش علیحده ای دارند تا نامش را از صفحه تاریخ به گمان باطل خود بزایند! اکثریت قریب به اتفاق منابع پایه از حضور ترکان از قدیم ترین ایام تا کنون در این سرزمین سخن رانده‌اند."
وی کوشیده تا از چسباندن نام آذربایجان به مفهوم سرزمین ترکان، همهٔ دانشمندان تاریخ، زبان‌شناسان، نسخه‌پژوهان و چه بسا بنیان دانش تاریخ را ترک ستیز بنامد که اگر هیچ یک از منابع و مأخذ بر ادعاهای او و دیگران از این دست گواهی نمی‌دهند در پیامد دشمنی با ترکان بوده‌است و برای هموار ساختن نخستین مانع خود و هم قطرانش که نام زیبای آذربایجان است از "راز کلمه چهار هجایی آذربایجان" می‌گوید. زیرا قوم‌گرایان پنهان یا پیروان آشکار پان ترکیسم سه بخش آذَر-بای-جان برابر با اتور-پات-کان را به صورت آذَر-بای-جان بخش می‌کنند تا زمینهٔ دستبرد در نوشتار آذربایجان به صورت مجعول آرزویجان و سپس جازدن معنایی ترکی برای آن فراهم آید.او ادامه مقدمهٔ اش را همراه لحنی که برای دانشورانه به نظر آمدن آن تلاش زایدالوصفی نموده، با نامبردن گذرا از چند اثر و اسطوره به عنوان مستندات اومه می‌دهد و با بد و بیراه گویی به دانشمندان پرواوزهٔ آذربایجان همراه ترغند همیشگی معرّفی احمد کسروی به عنوان نخستین کسی که زبان دیرین مردمان آذربایجان را ترکی نمی‌دانست به پایان می‌برد. نخستین سند وی برای ترک تبار بودن مردم

### بیا تا جهان به بد نسپریم

#### بیانیه شاعران و نویسندگان تبریز:

## اهداف خطرناک پشت ترانه‌خوانی

## اردوغان در بادکوبه

در پی حرکت ضدّ ایرانی رئیس جمهور ترکیه در شهر باکو، شاعران و نویسندگان تبریز بیانیه ای صادر کردند. در بخش‌هایی از این بیانیه چنین است:

«در همین دوران دویست ساله است که معاهده ی ذلت بار ترکمانچای و قبل از آن معاهده ی گلستان اتفاق افتاد، هفده شهر قفقاز را از ایران جدا کردند»(مقام معظم رهبری)

قرباغ یکی از مناطق قفقاز ی ایران بود که با عهدنامه ی گلستان از سرزمین مادری جدا شد. علیرغم توصیه های حکیمانه و دور اندیشانه رهبر معظم انقلاب اسلامی به حل موضوع قرباغ از طریق مذاکره بین جمهوری های همسایه آذربایجان و ارمنستان و حمایت جمهوری اسلامی از مذاکرات که می توانست ضامن حل مناقشه بدون خونریزی باشد، با مداخله ی مستقیم ترکیه و اشتراک خیل تکفیربهای ضد شیعه، آتش جنگی برافروخته شد که طی ۴۴ روز هزاران کشته بر جای گذاشت، در حالی که هنوز نه تنها قرباغ آزاد نشده، بلکه نیروهای روسیه با موافقت دولت باکو در آن استقرار یافته‌اند!

از ابتدای شروع جنگ، نشانه های پرتنگی مانند حضور تکفیربهای وابسته به ترکیه در جوار مرز ایران، اصابت مکرر و انبوه راکتها به مناطق مسکونی و مرزی ایران، انتشار صداهایی از میکروفونهای غیر رسمی دولت ترکیه مبنی بر لزوم گشایش راه ترکیه به آسیای میانه و تغییر مرزها و حذف مرز ارمنستان با ایران، حاکی از آن بود که در پوشش جنگ قرباغ، اهداف دیگری توسط ترکیه و دولت‌های دیگر دنبال می‌شود!

در این وضعیت، رهبر حکیم انقلاب اسلامی و مرجع و زعیم عالیقدر جهان تشیع، در سخنرانی ۱۷ربیع، ناخشنودی صریح خویش را از وقوع جنگ قرباغ اعلام کردند. ایشان با نام بردن از این جنگ، به عنوان «حادثه ی تلخ» بر «اتمام سریع جنگ» تاکید نموده و آن را «تهدیدی برای امنیت منطقه» دانستند و با بیان روشن درباره ی لزوم آزادی اراضی جمهوری آذربایجان، بر حفظ مرزهای بین المللی و عدم تغییر آنها تاکید کردند. همچنین نیروهای رزمی ایران بخصوص رزمندگان حماسه ساز و عاشورایی آذربایجان با تجهیزات دشمن کوب، گام به گام در جدار مرز با قفقاز استقرار یافتند.

اردوغان با ترانه خوانی ضدّ ایرانی در بادکوبه، پرده از امیال و اهداف پنهان و خیالی و خطرناک برداشت و آشکارتر شد که فعالیت‌های محافل تجزیه طلب ضد ایرانی در ترکیه و حمایت از بسط فعالیت های پانترکیستی و نژادپرستانه و نفرت پراکنی بین اقوام و استخدام عناصر فراری از ایران در رسانه های ترکیه بر مبنای کدام سیاست خیالی پیگیری می‌شود.

ترانه خوانی علیه ایران در بادکوبه و تفوه گوینده باکویی مراسم رژه به اسامی عظیم « تبریز و سیلان» که حاکی از گستاخی نویی در تداوم سیاست سوء استالین و شوروی نیست، به آذربایجان ایران بود، واکنش و خشم گسترده ی مردم، نخبگان، روزنامه نگاران و اهل قلم را در اقطار ایران زمین بویژه آذربایجان برانگیخت و این تب و تاب و خشم ناشی از احساس تعدی لفظی به تمامیت ایران واحد، چنان بود که رسانه ها و مطبوعات و شبکه های اجتماعی از هر قوم و گروه و جناح را درنوردید و شکل و شمایل اعتراض ملی به خود گرفت، و وزارت خارجه دولت جمهوری اسلامی و دیگر مسئولان و نمایندگان مجلس نیز به تبعیت از ملت ایران و خاصه مردم آذربایجان به صحنه آمدند. این شور و خشم عقلانی در میان آذری‌ها چنان بود که جوانان تبریز علیرغم ممانعت های پلیسی، در مقابل سرکنسولگری ترکیه در تبریز گرد آمده و توفان خشم که حرف از خیال و رؤیا بدارید!

و چه معنی دارد که در داخل ایران نه تنها برخی مؤسسات دولتی ترکیه، بلکه برخی نشریات و سایتها و کانو‌ها و… با سیاست و گرایش پانترکیستی آزادانه فعالیت می‌کنند و حتی نشریاتی که با محتوای قومگرایی سال‌های سال است ، در محیط های مختلف فعال اند و حتی از پاره‌ها های دولتی نیز بهره منداند! با شگردهای گوناگون از جمله زیر سؤال بردن حبّ وطن و عشق و محبت ایران با موضوعاتی چون پان ایرانیسم، حمله به تشیع و مذهب حقه برای توجیه پانترکیسم لایتیک یا تکفیری، همسو با سیاست‌های بیگانگان حرکت می‌کنند؟ و آیا همین‌ها نیست که برخی سیاستگران خام همسایه را به طمع انداخته که از رواج قومگرایی در ایران خیر میدهند و بر اساس اوهام به کاهدان می‌زنند؟

به دولت بادکوبه نیز هشدار می‌دهیم که بستر و زمینه ی اقدامات ضد ایرانی و ضد شیعی قرار نگیرد و بدانند که آزادی بخشی از قرباغ، در حالی که جوانان شیعه و روحانیون مجاهد جمهوری آذربایجان در زنجیر و زندان‌اند، نمیتواند تضمینی بر تداوم حکومت لایتیک و ضد اسلامی باشد.

ما شاعران و نویسندگان تبریز، از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم برای مقابله با اهداف و اقدامات دولت نوعثمانی ترکیه درباره ۱۷ شهر قفقاز بخصوص جمهوری آذربایجان (ایران شمالی) و ملت بزرگ ایران بخصوص مردم آذربایجان- این سر و سپر و خط مقدم و روح معظم ایران- اهتمام ورزد. پیشگیری از فعالیت گسترده و آزاد برخی موسسات به ظاهر فرهنگی ترکیه در ایران، پاسخگویی به تبلیغات ضد ایرانی ترکیه بخصوص رسانه های فارسی آن کشور با اقدام متقابل، مقابله به مثل با اقدام ترکیه در استخدام تجزیه طلبان پانترکیست در رسانه‌ها و کانو‌های خاص، انجام اقدامات متناسب درباره ی جذب جوانان در پوشش تحصیلات دانشگاهی و سوق دادن آنها در راستای اهداف ناسالم سیاسی در ترکیه، نظارت دقیق و موثر بر روابط به ظاهر ورزشی، بسط و تعمیق روابط با مردم قفقاز و ترکیه و بخصوص شیعیان و علویان این مناطق با اختصاص برنامه های ویژه و موثر از رسانه های برون مرزی، اتخاذ سیاست و راهکارهای جدی برای مقابله با تفکر استعماری پانترکیسم در قفقاز و ایران، از جمله اقداماتی است که انجام آنها می‌تواند در پاسداشت وحدت ملی و امنیت فرهنگی ما و ایجاد زمینه برای درک درست از شوکت و قدرت و واقعیت های ایران اسلامی برای برخی همسایه‌ها موثر باشد.

<sup>[1]</sup> در پی حرکت ضدّ ایرانی رئیس جمهور ترکیه در شهر باکو، شاعران و نویسندگان تبریز بیانیه ای صادر کردند

<sup>[2]</sup> در بخش‌هایی از این بیانیه چنین است

<sup>[3]</sup> «در همین دوران دویست ساله است که معاهده ی ذلت بار ترکمانچای و قبل از آن معاهده ی گلستان اتفاق افتاد، هفده شهر قفقاز را از ایران جدا کردند»(مقام معظم رهبری)

به گزارش خبرنگار مهر، پرونده هنر نگار گری (میناتور) در پانزدهمین اجلاس کمیته بین‌الدول میراث‌فرهنگی ناملموس یونسکو با کسب رأی مثبت داوران این کمیته لحظاتی قبل در فهرست میراث جهانی ناملموس بشری قرار گرفت و جهانی شد.
محمدحسن طالبیان معاون میراث‌فرهنگی کشور در حاشیه برگزاری این اجلاس مجازی گفت: ثبت یک هنر خاص برای یک کشور جایگاه نیاکان مردمان آن کشور را برجسته کرده و نوعی واکنش عاطفی را نسبت به میراث‌فرهنگی و هنری ایجاد خواهد کرد.
ثبت هنر نگار گری (میناتور) می‌تواند ضمن ارتقای جایگاه منطقه در زمین تنوع فرهنگی جهان، قدرت تخیل و تأسیس یک هنر منحصر بفرد را در آگاهی عمومی جامعه تقویت کند و به‌عنوان محرکی نیرومند در زمین مطالعات هنری در زمینه و بافت فرهنگ جهانی، ایفای نقش کند.
این پرونده ثبت جهانی مینیاتور توسط ایران، ترکیه، ترکمنستان، ازبکستان و آذربایجان تهیه شده‌است و با وجود آنکه چند کشور دیگر نیز خواستار اضافه شدن به این پرونده هستند این پرونده را ثبت و در آینده این کشورها را به پرونده اضافه خواهیم کرد. هندوستان، افغانستان و تاجیکستان نیز خواستار اضافه شدن به پرونده ثبت جهانی مینیاتور هستند.



# از نگاه بی‌طرف

داوری میرزا عبدالله مجتهدی از کارزار مقابله پهلوی و فرقه دموکرات



گردیده است، او دوبار با پیشه وری رهبر فرقه و نیز علی شبستری از مقامات فرقه دیدار داشته و با حضور برادرش در عدلیه خوی دارای احاطه ای چند جانبه بر مسائل سیاسی بوده است.

بخش نخست این کتاب از ایجاد حکومت پیشه وری تا توافق فرقه با دولت مرکزی را شامل می‌شود و در بخش دوم از توافق تا سقوط دولت فرقه را بررسی کرده است. نویسنده در بخش نخست به عنوان ناظری بی طرف به وقایع مربوط به فرقه پرداخته و ضمن گزارش اقدامات فرقه برای کسب مشروعیت عمومی به پیش بینی عوامل پایداری اوضاع و انتظار وقایع و رخداد بزرگ آتی نسنخته‌است.بلوکه کردن اموال مردم پس از قطع ارتباط با بانک مرکزی،ارتباط فرقه با روحانیون و سایر اقدامات فرقه همچون تغییر

**هنر مینیاتور**

**ثبت جهانی شد**



**میلادامیدوار**

ایب الله میرزا عبدالله مجتهدی فرزند آیت الله میرزا مصطفی مجتهد است. وی که پدرش از بزرگان و خطبای مشهور تبریز بود، در خاندان مجتهدپرور مجتهدی در سال ۱۲۸۲ در شهر مقدس نجف اشرف زاده شد. وی نواده میرزا حسن مجتهد از فعالان عصر مشروطه محسوب می‌گردد.

او علاوه بر زبان های مادری و ملی خود یعنی ترکی و فارسی،تسلطی مثال زدنی بر ادبیات عرب،زبان فرانسه و ادبیات انگلیسی داشت و با زبان روسی نیز نیز نا آشنا نبود، او به انگلیسی،فارسی و آذری شعر می سرود، و در اشعار فارسی خود تخلص "عطارذ" را اختیار می کرد.

وی پس از پایان تحصیلات خود در نجف اشرف در سال ۱۳۲۰ به تبریز بازگشت و روزنگاری هایی را در دوران پرآشوب،حساس تعیین کننده ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به انجام رساند.

عوامل گسترده ای چون تسلط به چند زبان و بهره گیری از روزنامه ها و رادیوهای این زبان ها، دیدار و آشنایی با کسانی همچون میرزا خلیل مجتهدی مجتهد اول تبریز در این دوران و حسن فروغ رییس بانک ملی آذربایجان در دوران فرقه، سبب تسلط وی بر اوضاع آن دوران

**به نام بزرگان و آردگان**

# اسطوره روشن جوادف

**داود اقبالی:** ۲۷ سال بود که منتظر این روز بودم که خداوند فرصتی بدهد جنایات ترکیه ی یونکتارک و شیطان دنیای اسلام را در کشورهای اسلامی را تقدیم هموطنان عزیز آذربایجانی خود کنم.

امروز هرکسی این فکر را کرده است که ترکیه در جهان اسلام و به خصوص در آذربایجان و قره باغ دچار عملکرد منفی شده‌است اما این نقشه ها نا اتقدیر حيله گرانه است که آنهارا تشخیص دادن کار ساده ای نیست.

این یک حادثه تلخ نه تنها در تاریخ آذربایجان بلکه در تاریخ اسلام بود که در آن در نتیجه اخبارهای اطلاعاتی ترکیه جوآنمراد آذربایجانی و قهرمان ملی نه به وسله دشمنان بلکه به به وسیله گلوله و افراد خودی کشته شدا

چوان روشن جواد اف از طایفه کرد های لاجین بود و لشکر آمون او نیز بیشتر از کرد ها بودند ترکیه طی مدت های بسیاری اورا خطری برای منافع خود می دانست و گمان می کرد که که جواد اف آنهارا به قفقاز کوچک راه نخواهد داد.

نتیجه قیام ۱۹۹۵ در آذربایجان مرگ روشن جواد اف رهبر نیروی مخصوص پلیس بود که بعدها آمونی ها نیز به کلی منحل شدند.

روشن جواد اف نخستین قهرمان ملی آذربایجان بود و او با اشغال کنندگان قره باغ به مقابله برخواست و به دفعات و به طور سنگین مجروح شده بود. اما چه کسی سبب مرگ او شد و در خفا چه نقشه هایی کشیده شده بود؟ رسول قلی اف: در اطراف حیدر علی اف گردانی درست شده بود که امکانات بسیاری داشت و خواش شد که اینها برای مقابله با جواد اف عازم شوند، حیدر علی اف به من(رسول قلی اف) گفت که اینهاماند گِـرگ هستند و چنین و چنان خواهند کرد،بنابر این این گردان عازم شد. جناح باتالیون به سمت آمون ها یورش بردند

نام دانشسرای عالی تبریز به دانشگاه تبریز از آن جمله است.

در دو مورد گویا فرقه از روحانیون تاثیر پذیرفته است.یک مورد لغو خدمت نظام وظیفه برای روحانیون و دیگری تعدیل مصادره اموال مخالفان. همچنین ارتباط خانوادگی و دوستی پدر وی با کسروی سبب پرداختن گسترده وی به زندگی او در هنگام ترورش می گردد. نکته قابل توجه دیگری که نویسنده به آن پرداخته، بحث مربوط به خاندان های متنفذ تبریز همچون دوزدوزانی،انگنجی،نقه الاسلام، شیخ الاسلام می باشد. در بخش بعدی توافق قوام با سادچیکف و همینطور توافق با فرقه برای تغییر نام مجلس آذربایجان به انجمن ایالتی آذربایجان و تغییر عنوان نخست وزیر به استاندار آذربایجان مورد اشاره قرار می گیرد.این وقایع تا انتصاب و ورود سلام آل… جاوید استاندار انتصابی دولت مرکزی به تبریز پی گرفته شده و پس از آن دچار گسستی چهارماه می گردد. در بخش دوم کتاب که به روزهای پایانی قائله فرقه پرداخته می شود.نویسنده از چیره دستی بخش نخست برخوردار نیست،وقایع مهمی چون ورودنیروهای دولتی به تبریز و واکنش عمومی به عوامل فرقه مغفول مانده و نویسنده تقریبا بدون مقدمه به چرخ زدن پایانی آن پرداخته است. مطالعه کتاب فوق در کنار سایر کتاب های مرتبط با فرقه می تواند دیدگاهی جامع نسبت به آن بدست دهد. منبع: بحران آذربایجان، داود قاسم پور، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی و بهمن ۱۳۸۲

**خوندنمایی اصلاحات نظامی عباس میرزا در جنگ با عثمانی**

# از اسب افتاده، اما بر اصل مانده



سندنج پناه آورده و خواهان کمک و یاری دولت ایران شد.

دولت ایران هم برای جبران سرشکستگی شکست از روسیه و برای تلافی عهدشکنی های عثمانیان به دولت عثمانی اعلام جنگ داد و درگیری آغاز شد

ایرانیان جنگ را از دو جبهه آذربایجان و کرمانشاهان آغاز کردند.

عباس میرزا با سپاه آذربایجان و قوای کمکی خان ایروان، «حسن خان ساری اصلان» یا «حسن خان سردار ایروانی» به استعداد ۲۳ هزار نفر پیشروی در خاک عثمانی را آغاز کرد و تا ارزروم با سرعت پیشروی کرد. در این جبهه قوای عثمانی متشکل از سپاهیان دولتی پاشانشین های ترک و عشایر کرد بود. نیروهای ایران و عثمانی در منطقه نزدیک به دریاچه وان با یکدیگر روبرو شدند. این نبرد که به نبرد ارزروم نیز مشهور است، به پیروزی ایرانیان منجر شد.

اما در جبهه جنوبی، داودپاشا والی بغداد و محمودپاشای بابان حاکم دست‌نشانده عثمانین در سلیمانیه و محمد آقا کهیا وزیر محمود دوم عثمانی به درخواست دولت مرکزی و به منظور پاسخ دادن به حملات شاهزاده عباس‌میرزا، لشکری آراستند و به سوی سرحد ایران در راستای بغداد شتافتند. در سال ۱۸۲۱ میلادی شاهزاده محمدعلی میرزا چون خبر حرکت سپاه عثمانی را شنید با حدود پانزدههزار جنگجو از کرمانشاه به سرداری پهلوان موسی خمیس، حسن خان قلیلی و اسد خان بختیاری خارج شد و به سوی سرحد تاخت. حمدعلی میرزا در هیجدهم ذیحجه قریب به شهر زور لشکرگاه کرد و محمدآقای کهیا و محمودپاشا در یاسین تپه که از سه جانب با آب پیوسته و از یک جانب با خلاب (لجن‌زار، باتلاق)، سنگری راست کرده بنشست و ۱۵ عدد توپ در پیش سنگر

بلشتند

در این هنگام محمودپاشا کسانی را نزد شاهزاده فرستاد که اگر مرا امان دهید، فردا که دو سپاه در برابر هم صف آراستند، من ناگاهان همراه کسان خود به شما خواهم پیوست و با هم بر قوای مقابل می‌تازیم. اما شاهزاده که از پیشنهاد او بوی توطئه می‌شنید پاسخ درستی به او نداد و فرستادگانش را پس فرستاد. محمودپاشا با حمایت محمدعلی میرزا و دولت ایران حکومت زور را به دست آورده بود و به همین دلیل هم چنین پیشنهادی فرستاد اما شاهزاده به او اعتماد نکرد و کار را به نبرد روز بعد واگذاشت

مورخ الدوله سپهر نویسنده ناسخ التواریخ در این خصوص می‌گوید:او روز دیگر که خورشید سر بر زد،ساخته جنگ گشت و موسی (رئیس ایل ملکشاهی و دریافت‌کننده فتح نامه) و ده معلم انگریز (افسران انگلیسی مسئول توپخانه) را با جماعتی از سرباز و سوار و توپخانه و زنبورک‌خانه از میان دره چنان‌که خصم ندیده و ندانست بفرستاد تا ناگاه از قفای دشمن درآیند و نبرد آزمایند و خود لشکر را جنبش داده میمنه و میسره راست کرد و بر فراز تلی صعود کرد. جبین بر خاک نهاد و از کارساز بی‌نیاز طلب نصرت نمود و سخت بگریست. آنگاه به میان سپاه آمد. از دو سوی گیرودار دلیران بالا گرفت و دهان توپ و تفنگ صاعقه‌بار آمد و از خون مردان خاک میدان گونه لعل و مرجان گرفت. رومیان (عثمانی‌ها) را مجال درنگ نماند، پشت با جنگ داده به یک بار روی برتافتند. محمودپاشای بابان (حاکم شهر زور، سلیمانیه فعلی) و محمدآقا کهیا وزیر سلطان محمود دوم عثمانی عنان

زنان به سوی کرکوک گریختند و لشکرگاه و توپخانه عثمانی‌ها به راحتی به چنگ قوای شاهزاده افتاد. محمدعلی میرزا به سلیمانیه رفت و عبدالله‌پاشا، عموی علی‌پاشا (والی وقت دیاربکر) را که پیشتر به ایران گریخته و به او پناهنده شده بود، به حکومت شهر زور منصوب کرد. ماه محرم رسید و شاهزاده موقتا دست از جنگ کشید و محرم را در سلیمانیه ماند. با پایان محرم و رسیدن صفر ۱۲۳۷ ه‍. ق. خیمه میزدن زد و به قصد گشودن بغداد لشکر آراست. اما قضا در کمین او بود.

محمدعلی میرزا قوای عثمانی را شکست داد و بغداد را محاصره نمود. اما در هنگامی که در حال مذاکره با «کاشف الغطا» روحانی عرب شیعه بود، طبق معمول طاعون در میانرودان و وبا در آناتولی شایع شد و لذا ارتش‌های ایران در دو جبهه شمالی و جنوبی دست به عقب نشینی زدند و محمدعلی میرزا دولتشاه این شاهزاده لایق که به طاعون مبتلا شده بود در طاق گرای کرمانشاه جان به جان آفرین تسلیم کرد و ایران سرداری لایق را از دست داد.

با وجود آنکه نتیجه این جنگ یعنی قرارداد ارزنه‌اروم چندان سودی برای یاران نداشت، اما این نبرد ایران و عثمانی نشان داد که هرچند اصلاحات نظامی عباس میرزا در مقابل روسیه ضعیف عمل کرد، اما در برابر عثمانی‌ها خود را به خوبی نشان داد که سپاه کم شمار ایران با آموزشی بهتر توانست سپاه پرشمار عثمانی را درهم شکند. این درگیری آدمی را به یاد زلزله:از اسب افتادیم، اما اصل نیفتادیم. می‌آورد.



**احمدرضاحسینی**

با وجود آنکه نتیجه این جنگ یعنی قرارداد ارزنه‌اروم چندان سودی برای ایران نداشت، اما این نبرد ایران و عثمانی نشان داد که هرچند اصلاحات نظامی عباس میرزا در مقابل روسیه ضعیف عمل کرد، اما در برابر عثمانی‌ها خود را به خوبی نشان داد که سپاه کم شمار ایران با آموزشی بهتر توانست سپاه پرشمار عثمانی را درهم شکند. این درگیری آدمی را به یاد زلزله:از اسب افتادیم، اما از اصل که نیفتادیم. می‌آورد.

پیشینه درگیری و رقابت دولت‌های ایران و عثمانی تقریبا به زمان امیر تیمور گورکان بازمی‌گردد که تیمور با تصرف ایران به مناسبت حفظ و تثبیت مرزهای غربی ایران در فرات و ارمنستان به آناتولی و قدرت در حال گسترش سلطان بایزید ییلدیرم در این سرزمین یورش برد و در نبرد آقره (آنکارا) سپاه ترک را در هم شکست و برای مدتی جلوی توسعه‌طلبی عثمانی به شرق را گرفت.

دومین درگیری به زمانی باز می‌گردد که دیگر خبری از فاتح تاتار نبود و ایران در تصرف ترکمانان آق قویونلو بود. اوزون حسن آق‌قویونلو که با از میدان به در کردن جهانشاه قراقویونلو به قدرت رسیده بود، متوجه خطر عثمانی بود و از همین روی با امپراتوری یونانی ترابوزان و امپرنشین ترکان ذوالقدر متحد شد و حتی درصدد اتحاد با جمهوری ونیز برآمد.

بالاخره زمان درگیری میان سلطان محمد فاتح و اوزون حسن فرا رسید و با اینکه اوزون حسن بالاخره شکست خورد اما توانست مرزهای غربی ایران را حفظ کند و در این میان امپراتوری ترابوزان نابود شد.

اما درگیری‌های ایران و عثمانی با سقوط دودمان بایندری (آق قویونلو) توسط شاه اسماعیل صفوی به اوج خود رسید و خود را در نبرد چالدران نشان داد که به شکست صفویه و از دست رفتن سرزمین‌های ایران در آناتولی انجامید.

این جنگ‌ها در زمان شاه تهماسب هم ادامه پیدا کرد و عثمانی‌ها خود را به عراق عجم رسانیدند و عراق عرب را مستخره ساختند و فقط شاه عباس بزرگ با بیرون راندن عثمانیان از فلات ایران بصورت موقت توانست عراق عرب را در تصرف ایران نگاه دارد که در زمان جانشین نالایق او شاه صفی از دست رفت و معاهده ذهاب به امضا رسید که چهارصد سال امتز مرز غربی ایران را ثابت نگاه داشته است.

باسقوط صفویه توسط محمودغزالی‌باز عثمانیان فرصت را مناسب دیده و به ایران یورش آوردند و آذربایجان و قفقاز و عراق عجم را به تصرف خود در آوردند تا اینکه نادرشاه افشار سر رسیده و ایشان را بیرون رانده و پس از دوبار محاصره ناموفق بغداد، باز معاهده ذهاب را به رسمیت شناخت.

در این زمان عثمانی در زیر ضربات سنگینی نادرشاه و امپراتوری‌هابسبورگ اتریش–مجارستان و امپراتوری روسیه تزاری درهم شکسته بود و لذا در طی دوران فترت و جنگ داخلی ایران اقلیمی از سوی عثمانی دیده نشد و تنها در زمان کریمخان زند آن هم با تجاوز ایران جنگ در گرفت که در همه جبهه‌ها چه در بصره و چه در

کردستان و چه در آناتولی شرقی جنگ به سود ایرانیان پیش رفت. اما این درگیری‌ها در دوره قاجار هم ادامه پیدا کرد. دوره قاجار سرآغاز تغییرات و مدرن شدن ایران و بیدار شدن ایرانیان از خواب صوفیانه خود بود. ایرانیان در جنگ با روسیه تزاری متحمل صدمات سنگینی شدند و فهمیدند که از جهان عقل مانده اند و با این حال شجاعانه جنگیدند.

با وجود جنگناز: بودن قراردادهای گلستان و ترکمانچای که پس از گذشت دو قرن هنوز برای ایرانیان جگرخراش هستند، اما این قراردادها مرزهای شمالی ایران را تثبیت و معتبر نمودند و این سبب شد که طی اشغال‌های بعدی، مرزهای ایران محترم شمرده شوند.

در این جنگ‌ها چندبار تلاش شد تا اتحادی میان ایران و عثمانی در جبهه قفقاز ایجاد شود که همگی ناموفق ماندند. روسیه که متوجه این نکته بود، در فاصله دو جنگ با ایران، درگیر جنگ با عثمانی شد و برای دلجویی از ایرانیان به دربار ایران پیشنهاد کرد که در اتحاد با روسیه به عثمانی حمله کنند و روسیه هرگونه تصرف از خاک عثمانی توسط ایرانیان را به رسمیت خواهد شناخت، اما ایرانیان به مناسبت مسلمانی این پیشنهاد را نپذیرفتند. اما دایری نبایدید که علی رغم مخالفت ایرانیان به پیشنهاد روس‌ها، جنگ با عثمانی در سال‌های ۱۸۲۱ تا ۱۸۲۳ رخ داد.

عثمانی طبق روال همیشه فشار بر حجاج و زوار ایرانی را از سر گرفتند و درعین حال عشایر کرد مرزنشین طرفین دردرس ساز شدند و در پایان پاشای کردستان بابان در سلیمانیه‌ها به امپرنشین اردلان در

این را نه من و نه خدا نمی خواهیم.»

## بابک خرم‌مدین

بیژن نامدار

در غروب سرد پاییزی  
سرداری دلشکسته  
تنها و خسته  
در کنار رودی آرام نشسته  
با خود می‌گوید: کجایی ای  
سربازان من  
آه ای سرزمین من

سرزمین جنگ و خون  
دشمنیت از ارغوان گلگون  
زین پس، گندم گندمزار هایت را  
که خواهد برد  
غم مادران و دخترانت را که  
خواهد خورد...  
ان دلاور شد در بند، بندی سخت

گویب روی برگردانده از ما بخت  
تازیان شادان  
از غم آزدگان خندان  
اذر ابادگان شد گریان  
پیش آمد جلا  
در دستش تلواری از پولاد  
در برابرش مردی بود آزد

فرمان آمد: چارپاره کن اندامش را  
اندیشه ای تا کند رسوا  
دشمن بی شرم بی پروا  
فرود آمد تلوار  
دستی بر زمین افتاد خوار  
آه دستت بشکند جلا  
بشکستی شاخ سروی آزد

دشمن این بی شرم بی بنیاد  
چه حقیر است مرگ  
چه حقیرتر دشمن  
در شگفت است دشمن  
زین بزرگیها  
باد می پیچد می دهد پرواز  
نام بابک را همچونان آواز



## جام ارجان بهبهان نماد کاروان ایران در بازی‌های المپیک

جلسه ستاد عالی بازی‌ها در سالن فارسی آکادمی ملی المپیک برگزار شد و در نهایت اعضا در مورد نماد، نام و رنگ کاروان به نتیجه رسیدند.  
طبق انتخابی که سال گذشته انجام شد، کاروان ستارگان پارسی نام گرفت. رنگ فیروزه‌ای بعنوان رنگ کاروان و جام ارجان بعنوان نماد کاروان انتخاب شدند. شعار کاروان نیز «همه برای ایران» نام گرفت.  
جام یا سینی ارجان یکی از شگفت‌انگیزترین و در عین حال بی‌نظیرترین نگاره‌های ورزشی ایران است. این جام از داخل آرامگاه یکی از پادشاهان ایلامی در شهر باستانی ارجان بهبهان به دست آمده است. این آرامگاه حاوی تابوتی بزرگ از جنس برنز بود. به همراه این تابوت یک حلقه طلائی، نود و هشت دکمه زرین، ده ظرف استوانه‌ای، یک خنجر، یک میله نقره‌ای، تنگ و ساغر و سینی برنزی با تصاویر تاریخی پیدا شدند که به ۸۰۰ سال پیش از میلاد برمی‌گردد. قش‌های سینی ارجان شامل یک گل‌رز شانزده‌پر در مرکز سینی، سپس یک ردیف شیر، و پنج ردیف نقوش متنوع مربوط به مراسم مختلف در بقیه فضا کنده شده و فاصله بین این نقوش را چند ردیف گیس بافت پر کرده‌است. بر اساس نقوش این سینی، ظاهراً یکی از فرمانروایان ایلامی برای مدتی به یکی از مناطق کوهستانی برای شکار عزیمت کرده، و در غیاب وی در محل حکومت شورش به وجود آمده‌است. شاه به محل حکومت برمی‌گردد و شورش را سرکوب می‌کند. سردسته شکارچیان نیز در یکی از نگاره‌ها، حیوانات شکار شده را به پیش شاه می‌برد و شاه طی مراسمی جشن می‌گیرد. همچنین، قدیمی‌ترین تصویر از یک چنگ‌نواز یا به قولی لیرنواز ایرانی در میان گروه نوازندگان در این سینی به چشم می‌خورد. در لبه پشت جام نیز کتیبه ای میخی به خط ایلامی نقش بسته‌است

### گفتاری از توج دربابی

## ایران‌شهر چیست؟



ایران‌شهر نامی کهن است که ایرانیان برای سرزمین خود به کار می‌بردند و از لحاظ لغوی معنای «کشور آریایی‌ها» را می‌دهد. این نام نشان از ایران بعنوان یک کشور و ایرانیان به عنوان یک ملت دارد. در ادامه توضیحات دکتر توج دریایی پژوهشگر و تاریخ‌نگار در حوزه

مطالعات ایرانی و استاد «تاریخ، مطالعات و فرهنگ ایرانی» در دانشگاه کالیفرنیا، ارواین در خصوص مفهوم ایران‌شهر را می‌خوانید:  
برای اولین بار در قرن سوم میلادی بود که به فلات ایران، «ایران‌شهر» گفته شد.  
این نام در کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت

آمده است که شاپور در این کتیبه خود را شاه ایران‌شهر معرفی می‌کند.  
اما چرا ناگهان این فلات، ایران‌شهر نامیده شد و شاه ساسانی خود را شاه ایران و ایرانیان معرفی کرد؟ قبل از این، نام ایران‌شهر را بصورت مکتوب نمی‌بینیم و به نظر می‌رسد که ساخته و پرداخته دوره ساسانی و بر حسب متون اساطیری و مذهبی بوده است که برگرفته از زادبوم ایرانیان یعنی سرزمین «ئیریانام‌وتجه» است. در اوستا سرزمینی بنام ایرانویچ وجود دارد که در کنار رود ونگوهی داییتی است، اما در فلات ایران نیست، بلکه در آسیای مرکزی است. به نظر من گروهی که با تاریخ و فرهنگ ایران آشنا بودند، ایران سیاسی را ایجاد کردند که این امر ریشه مذهبی و اساطیری دارد. می‌بینیم که شاه و بعد موبد در قرن سوم میلادی به درستی می‌دانند که ایران‌شهر کجاست و شامل چه مناطقی است و سرزمین‌هایی که جزو ایران‌شهر نبودند و توسط ساسانیان اشغال شده بود را انیران خطاب می‌کنند. چگونه است که موبدی مانند کرتیر در قرن سوم میلادی به درستی می‌داند که ایران کجاست؟  
ساسانیان برای این سرزمین موسوم به ایران‌شهر فرهنگی ایجاد می‌کنند بنام فرهنگ ایرانی و چند قرن به دور آن دیوارهایی می‌کشند که که چندی مفهومی با سرزمین و فرهنگ و دین ملی با مرزهای مشخص که به دور آن دیوار کشیده شده است، در دوران باستان مستثنی است.  
او ادامه داد: در آغاز با یک ایران‌شهر زردشتی مواجه هستیم، اما تا زمان انوشیروان ایران‌شهری شامل هرکسی می‌شد که با هر دینی تابع شاهنشاه و قوانین شاهی بوده است. آنچنانکه یک مسیحی صد سال بعد از نابودی ساسانیان به بیزانس می‌رود و در آنجا فوت می‌کند و روی سنگ تابوت او می‌نویسند «فلاتی از ایران‌شهر».

«مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن» در نظر دارد با همکاری مراکز علمی برگزار نماید.

## نقد و بررسی تاریخ سازی قومی در ایران

### بررسی موردی آذربایجان

#### محورهای نشست

- تاریخ باستانی
- روابط عثمانی و ایران
- هفته شهر ایرانی قفقاز
- رسانه ها و تاریخ سازی
- جعل مفاهیم و اصطلاحات
- فرقه دموکرات آذربایجان
- جنبش های دو قرن اولیه اسلامی
- تاریخ معاصر و شخصیت های ملی
- اسطوره سازی و مراکز تاریخ سازی
- جریان های منطقه ای و بین المللی

پیشینه، اهداف، انگیزه ها و شرکدهای جعل و هویت سازی

#### ملاحظات

چکیده و اصل مقالات به صورت تاپ شده در محیط word2003 ارائه گردد.  
مشخصات کامل، رتبه علمی و آدرس پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان قید شود.  
مقالات دارای چکیده، کلیدواژه، ساختار مرتب علمی، ارجاعات به صورت پانوشته باشد.  
با توجه به شرایط شیوع کرونا این نشست علمی تخصصی به صورت مجازی برگزار خواهد شد.

آدرسی  
hamayesh@diyarekohan.net  
دبیرخانه همایش  
ارسال چکیده ۱۳۹۹/۱۰/۱۰  
پیش همایش ۱۳۹۹/۱۱/۷

کهن دیار

### به تدبیر پشت هوا بشکنیم

## کدام جشن کدام پیروزی؟



رومای جمهوری آذربایجان و ترکیه در حالی در باکو جشن ورزه پیروزی می‌گیرند که جمهوری خودخوانده آرتساخ هم چنان پابرجاست و نسبت به پیش از جنگ اخیر، مورد شناسایی بین‌المللی بسیار گسترده تری قرار گرفته است، پایتخت این کشور ادعایی یعنی استیپاناکرت یا خان کنندی در تصرف ارمنی‌ها قرار دارد و با توجه به حضور

دوامدار روسیه در منطقه، امکان آزاد سازی این مناطق نسبت به پیش هم بسیار تضعیف گردیده است، حضور نظامی روسیه در منطقه قره باغ و به عنوان یگانه ناظر و حافظ صلح تثبیت شده است و نیروهای روسی تا نزدیک مرز ایران و رود ارس رسیده اند، بله شاید ترکیه پیروز این ماجرا باشد که نیروهایش در خیابان های باکو رژه می‌روند ولی جمهوری آذربایجان قطعاً بزرگترین بازنده جنگ اخیر قره باغ بود، بازنده ای که نه تنها نتوانست قره باغ را مسترد نماید بلکه به نوعی به صورت دوقاکتو و عملی موجودیت جمهوری ادعایی و خودخوانده آرتساخ را در بخشی از

اراضی قانونی خود پذیرفت، پای روسیه و ترکیه را به منطقه باز کرد و حق استعمال انحصاری قوه قهریه و یگانگی نیروی نظامی که عالی ترین مظهر حاکمیت ملی است را به روسیه و ترکیه واگذار نمود. تاریخ منطقه و شواهدی چون اشغال افغانستان به وسیله شوروی نشان می‌دهد که بیگانگان با کارت دعوت و لهله میزبان ساده لوح می‌ایند و با دریایی از خون باز می‌گردند، دولت الهام علی اف باید به استقلال و تمامیت ارضی کشورش بیندیشد و ایران نیز باید در رهایی جمهوری آذربایجان از اشغال عملی در کنار این جمهوری باشد.

### فراغت و کتاب و گوشه چمنه

## اشتباه خودخواسته

عده ای از قوم‌گرایان پیرامون نظامی گنجوی و نظامی قونوی دست به اشتباهی خودخواسته می‌زنند. تا به اهداف سیاسی‌شان در تحریف تاریخ قفقاز دست پیدا کنند. نظامی قونوی شاعر قرن پانزدهم میلادی در آناطولی در شهر قونیه که تحت حکومت قرمانی‌ها قرار داشت زاده شد، از زندگی وی اطلاعات چندانی در دست نیست، جز این که می‌دانیم مدتی از قونیه به ایران سفر کرده؛ و فارسی و عربی را نیز می‌دانسته است. او در اواخر عمر و پس از مراجعت از ایران دوباره در قونیه زیست و اواخر عمر وی مصادف با چیرگی یافتن آل عثمان بر فرومانروایی قرمانی در قونیه بود. شهر وی در دوران سلطان محمد دوم در زیر سلطه عثمانی قرار گرفت. در سالیان اخیر در نزد عده ای از مصححان کمتر شناخته شده و یا کژاندیش سخنانی پیرامون دیوان ترکی نظامی گنجوی بر زبان رفته است.

حال که حتی در همان کتب مغشوش نیز قسمتی از ابیات ذکر شده به نظامی قونوی منتسب شده اند، جالب است که نظامی قونوی خود بیش از شصت غزل و رباعی پارسی در دیوان خویش دارد و حتی ابیاتی از عربی در آثار وی می‌توان جست. اما ویرایشگران کم ذوق بدون اشارات علمی به نسخ مادر و نحوه دستیابی به آن و شرح وضعیت فعلی آن‌ها که مدعیان ناصحان را سنجیده و دانشورانه تحت حمایت قرار دهد؛ آثاری را به نظامی گنجوی منتسب ساخته‌اند.  
این اشتباه در کنار تعمدهای روشن می‌تواند در تعاف از شباهت دو شاعر هم نام نیز باشد. همان گونه که پیشتر نیز گفته شد، تنها اثر نظامی قونوی دیوان اشعار وی است که ترکیبی از اشعار ترکی، فارسی و عربی است و در سال ۱۹۷۴ در آنکارا و به دست یک مصحح ترک انتشار یافته است. مرحوم یحیی

شیدا ادیب شهیر تبریزی و از نزدیکان شهیار در بیان خطای انتساب دیوان ترکی نظامی قونوی به نظامی گنجوی، حتی پیرامون یکی از اشتباهات فاحش، از انتشار اثری که وی جعلی می‌نامد و در آن اشعار نظامی قونوی به نظامی گنجوی منتسب می‌شود صریحاً انتقاد می‌کند.  
این کار در کنار تلاش های دولت جمهوری آذربایجان برای ارائه تاریخی بازگونه از نظامی گنجوی سبب شده است، که در نزد عوام نیز برخی از این اثر مغشوش، معتبر نمایانده شده و علاوه بر عدم شناخت درست از نظامی گنجوی به عنوان یکی از مفاخر شعر پارسی و ادبیات ایران زمین، از زندگی و حضور و بروز شاعری همنام در دوره ای متفاوت بی اطلاع باشند. نکته جالب توجه آنجاست که نتها در این سالها یک اثر چنین مدعایی داشته که فاقد معیارهای دقیق علمی در زمینه تصحیح است.